

خدای این روزگار شریر

✍ [برادر آرمان نویل می‌گوید: « گزارش فعلی پیرو جلسه مشترک جمعه شب میان شماسان و هیئت امنای این خیمه تهیه شده است، بدین وسیله اهم تصمیمات اتخاذ شده را قرائت می‌نماییم، آنچه اعلام می‌شود برای هر یک از دستداران و پیگیران این خدمت، اعم از زن و مرد، معتبر است. به این ترتیب مایلم آنچه در ذهن و مدنظر هیئت امنا، شبان و کمک شبان است به اطلاع عموم رسانده شود. خواهشمند است همگان حداکثر توجه خود را در حد توان به این مهم مبذول نمایند.» برادر نویل مفاد تصمیمات مصوب را به شرح ذیل قرائت می‌کنند:

«تصمیمات کنونی توسط هیئت امنا و شماسان با توافق و تأیید کامل از سوی شبان و کمک شبان اتخاذ و به تصویب رسیده‌اند.

کار تولید و آماده سازی کلیه نوارهای موعظات کشیش ویلیام برانهام تا هر زمان که هیئت امنا لازم بدارند تنها بر عهده فرد سوتمن است. تا این لحظه ما هیچ نهاد متفرقه‌ای که به صورت آزادانه یا رایگان مشغول خدمت تولید و پخش نوار باشد را به رسمیت نمی‌شناسیم. این نوارها دارای حق امتیاز ویژه هستند و کسی غیر از فرد سوتمن و بدون امضای مکتوب وی نمی‌تواند اقدام به تکثیر آنها نماید.

شماره دو. این کلیسا و شبان آن هیچ یک از افرادی که اقدام به برگزاری جلسه، فروش کتاب یا نوار، نگارش تراکت، توزیع البسه دعا یا کارت از هر نوعش می‌نمایند را به رسمیت نمی‌شناسد و ایضاً کسانی که درخواست هدیه می‌کنند در همین ردیف قرار می‌گیرند. این افراد تحت عناوین و ادعاهای کاذب دست به این اعمال می‌زنند و اختیار چنین کارهایی به آنها داده نشده است.

سه. این کلیسا غیر از شبانش کشیش ویلیام برانهام خادم دیگری را برای برگزاری جلسات و انجام هرگونه خدمت به نقاط دیگر اعزام نمی‌کند.

دلایل اتخاذ این تصمیمات از این قرارند:

به ما اطلاع داده‌اند که عده‌ای از خادم‌ها در کشور دوره افتاده و به جماعت‌های دیگر وارد شده و آنجا مدعی شده‌اند که به این کلیسا وابسته بوده و از اینجا برای برگزاری جلسات اعزام شده‌اند.

همچنین به ما اطلاع داده‌اند که عده‌ای کارت و تراکت چاپ کرده‌اند و البسه دعا فرستاده‌اند و از این قبیل کارها و بعد چنین وانمود کرده‌اند که این کار را با اجازه کلیسا و شبان آن انجام داده‌اند که این موضوع به هیچ وجه حقیقت ندارد. در صورت مشاهده کسانی که این کارها را انجام می‌دهند، ممنون می‌شویم موضوع را به اطلاع کلیسا برسانید.

این تصمیمات توسط شبان کلیسا ویلیام برانهام، کمک شبان کلیسا آرمان نویل و هیئت‌های امنا و شماسان خوانده شده و مورد توافق همه آنها قرار گرفته است.» - گروه تألیف]

[برادر نویل سپس می‌گوید « خداوند به شما برکت دهد.» در جلسه بعد از ظهر به شناسه E ۰۸۰۱-۶۵ برادر برانهام در این باره که هیئت چگونه این تصمیم‌ها را اتخاذ کرده است توضیح می‌دهد. فضای خالی بر روی نوار - گروه تألیف]

همه چیز ممکن است، تنها ایمان داشته باش؛

تنها ایمان داشته باش، تنها ایمان داشته باش؛

همه چیز ممکن است، تنها...

سرهای خود را خم می‌کنیم.

پدر آسمانی عزیز، سپاسگزاریم که می‌توانیم در چنین صبحی ایمان داشته باشیم. آنچه اینها را ممکن کرد خون ریخته شده پسر ت عیسی بود، چنین است که می‌توانیم در فیض وی سهیم شویم؛ و بابت اطاعت او تا پای مرگ بر روی صلیب بدل به دختران و پسران خدا شویم و از طریق ایمان به او و رستخیزش عادل شمرده شویم تا اکنون نیز [بتوانیم] روح القدس را در قلب‌های خود دریافت نماییم.

۲. شکر و سپاست می‌گوییم بابت فرصتی که در اختیارمان قرار دادی که در این صبح دم به اینجا آمده و بتوانیم در پرستش‌ها مشارکت کرده و با خواندن سرود، ادای شهادت‌ها، خواندن مزامیر و خواندن کلامت آنچه که در درونمان است را ابراز کنیم و با جدیت تمام منتظر آن باشیم تا روح القدس پیغام مقرر شده برای زمان حاضر را به ما ارزانی دارد. خداوند عطا فرما. باشد که از حضور در اینجا بهره‌های لازم عایدمان شود. تا آنگاه که این ساختمان را ترک می‌کنیم بتوانیم همانند آنها که از عموآس می‌آمدند بگوییم: «آیا دلمان در درون ما نمی‌سوخند، وقتی که امروز صبح با ما تکلم می‌نمود؟» ای خدای جاودان در نام عیسی مسیح این امور را عطا فرما. آمین.
می‌توانید بنشینید.

۳. با عرض صبح بخیر خدمت دوستانی که اینجا و در این خیمه حاضرند و همچنین خدمت سایر دوستانی که در سراسر کشور هستند، از سواحل غربی تا سواحل شرقی و از شمال تا جنوب؛ که از طریق خطوط تلفن با ما تماس برقرار کرده و به ما وصل هستند.

۴. اینجا در ایندیانا شاهد روزی زیبا هستیم، هوا کمی تا قسمتی ابری، خنک و بسیار مطبوع است. خیمه کاملاً پر است و عده‌ای هم در محوطه بیرونی و گرداگرد دیوارها جمع شده‌اند، به شدت منتظریم و امید داریم که امروز خدا ملاقاتمان کند. امیدوارم هر جا که هستید خدا روزی خوب به شما عطا کرده

باشد. و لاجرم بايد روز خوبى باشد، زيرا خدا آن را بخشيده و عطا کرده است. آن روز [که خدا عطا کند] روز خوبى است و مهم هم نيست که آب و هوا چگونه باشد. ما از بودن در اينجا خوشنوديم، خوشنوديم چون هنوز اين بخت را داريم تا ايمانمان به مسيح را به جهان اعلام کنيم. و مى‌خواهيم از هر فرصتى که ممکن است نصيب مان شود استفاده کنيم تا نسبت به محبت او و کارهاى که برايمان انجام داد احساساتمان را ابراز کنيم. ما امروز...

۵. دقيقى پيش از من خواسته شد تا اطلاعیه‌اى صادر کنم، مايلم به نکاتى در اين خصوص اشاره کنم. اطلاعیه‌اى که به من داده شد در واقع طى جلسه آن شب هيئت مورد بحث قرار گرفت. يکى از شماسان کليسا، برادر شريف ما کالينز مدتى است مقيم آريزونا شده اند. و با توجه به دورى ايشان، هيئت برادر چارلى کاکس را انتخاب کرد تا در نبود برادر کالينز جانشين وى شوند. به اين ترتيب برادر کاکس رسماً توسط هيئت امنا... يا درواقع هيئت شماسان اين کليسا انتخاب شده است تا در غياب برادر کالينز عهده دار وظيف ايشان باشد.

۶. نکته ديگر اين که از آنجا که تعدادى از شما پيش از آغاز خدمت شفای امشب، روانه خانه‌هايتان مى‌شويد، مى‌خواهم از همه شما مردم بابت هدايات کوچک و خوبتان تشکر کنم، از زمانى که اينجا هستيم کلى خوراکی برايمان آورده اند. از طرف خودم، همسر و خانواده‌ام مسلماً قدردان اين کارهاستيم. گاهى يادم مى‌رود به اين موضوع اشاره کنم. بس که مشغله‌ها زيادند. در ذهن همواره طوفان و هياهوئى به پاست. چگونه [اين احوال] را مى‌توانيد تصور کنيد، آن هم وقتى نه پاى مردمانى از اين کليسا بلکه از سراسر جهان در ميان باشد. ملاحظه مى‌نماييد؟ و همين امر هم باعث يک حالت آشفتگى ذهنى مداوم مى‌شود.

۷. يکى داشت راجع به تقديم خردسالان و مراسم تعميد و مسائلى از اين دست صحبت مى‌کرد. خيلى خوب است. کاش مى‌رسيدم اين کارها را بکنم اما خيلى سخت است، من- من وقت چندانى ندارم. بايد ذهنم را به طور کامل روى اين پيغام بگذارم. مى‌دانيد، کتاب مقدس به رسولان گفت... يا دقيق‌ترش اين است که رسولان در کتاب مقدس گفتند: « برويد و از ميان خود مردانى نيك نام، صادق و پر از روح القدس را انتخاب کنيد تا عهده‌دار اين امور شوند.» به بيلی گفتم...

او به من گفت: « پدر، آيا اين دفعه خردسالان را تقديم خواهى کرد؟»

گفتم: « خداى من!» ملاحظه مى‌کنيد؟... اگر شمار زيادى از آنها در انتظار تقديم شدن هستند، و خوب درست است، مجبورم برگردم و يک روز مخصوص را براى تقديم کودکان خردسال تعيين کنم. بنابراين دوست دارم اين کار را اکنون انجام دهم.

۸. بارى، از صميم قلب مى‌خواهيم از شما تشکرکنيم؛ خانم، خودم و خانواده‌ام. مردم اينجا براى ما خوراکی‌هاى کنسرو شده، باقالى تازه، هندوانه، طالبى، و توت فرنگى آوردند. آنها هر چيزى که فکرش را بکنيد آوردند.

۹. آن روز برادر گرانقدری همراه با خواهرش یک بوقلمون بزرگ برایمان آوردند، هنوز هم دارم از آن می‌خورم... به گمانم خودم باید قبل از رفتن تماشاش کنم. اگر این طور نشد شاید هم با ما همسفر شود. بنابراین... مسلماً قدران چنین کارهایی هستیم. بسیاری از این افراد را می‌شناسم؛ شماردیگری را نمی‌شناسم. آن هدایا وقت آمدن ما بر روی ایوان قرار دارند. بنابراین و بدون تردید چنین لطف‌هایی را ارج می‌نهیم.

بسیاری از آنها را می‌شناسم و بسیاری را هم دیده‌ام، و بسیاری دیگر از آنها را نمی‌رسم که ببینم. من... من اطمینان دارم که همگی درک می‌کنند که اگر در توانم بود دوست داشتم به همه سر بزدم، اما من فقط یک نفرم، می‌بینید؟ نمی‌توانم به همه سر بزدم. همه تلاشم را می‌کنم تا به گونه‌ای این کار را انجام دهم.

۱۰. بسیار خوب، خدا همراهتان باشد. یقین دارم که شخصی همراهتان خواهد بود؛ آن شخص عیسی مسیح است، او می‌تواند. او تنها شخصی است که همه جا حاضر است. وی همچنین قادر مطلق است و می‌تواند هر نیازی را تأمین کند. او به همه چیز واقف است و نیازهایتان را می‌داند و از آنها آگاه است.

۱۱. به هر کس که نتوانم... به رغم این که تازه امروز صبح به اینجا آمدم اما با حداکثر شتابی که می‌توانستم پیش رفتم و جویای هر کس که بتوانم خواهم شد. و اگر... در مواردی که در این کار ناموفق بودم، باشد که خدای قادر مطلق به فراخور دولت جلال خود نیازهایتان را برآورده سازد.

۱۲. [برادر برانهام مکث می‌کند و سپس مشغول صحبت با برادر نویل می‌شود - گروه تألیف] نمی‌توانم خوب بخوانم. می‌شود آن را بخوانی؟

یک جور اطلاعیه ویژه است. به گمانم بیلی پل باید آن را نوشته باشد. چون او شبیه من است؛ من حتی خط خودم را نمی‌توانم بخوانم. به همین دلیل برای خودم یک جور خلاصه نویسی مخصوص دارم. و اگر بر فرض چند تا از این متن‌هایی که اینجا نوشته‌ام را ببینید فکر می‌کنید بتوانید از آنها سردر آورید؟ [برادر برانهام متن دست نوشته خود را به جماعت نشان می‌دهد و همراه آنها می‌خندد-گروه تألیف] چیزی که اینجا دارم شبیه یک ستاره است که از یک پل عبور می‌کند و چیزهایی از این دست، فقط همه...

[برادر نویل اطلاعیه ای را می‌خواند- گروه تألیف]

برادر آدیر از آرکانزاس لطفاً خیلی سریع در پشت کلیسا با کشیش پری گرین ملاقات کنید. بسیار خوب.

۱۳. حال موضوع دیگری که دوست دارم به اطلاع برسانم در رابطه با برگزاری خدمت و مراسم شفاست. امشب قرار است برای بیماران دعا کنیم، و من- من اطمینان دارم که اینجا حضور خواهید یافت.

۱۴. و همچنین به کلیه مردم [شنونده] در سراسر کشور در نام خداوند عیسی سلام و درود می‌فرستیم، خدا امروز صبح به شما برکت دهد. [البته] الان

برخى از شما جايى هستيد كه ظهر است. در نيويورك حدوداً ظهر شده است و آنجا در آريزونا و ساحل غربى، تازه ساعت هفت است. با اين حساب... ما درست درميانه هستيم. خدا به شما كه گوش مى دهيد بركت دهد. اين مى تواند... اينجا موضوعى دلگيرم كرد...

۱۵. اول به ما مجوز برگزاري جلسه در تالار اجتماعات را ندادند، بعد هم يك مجوز نصفه و نيمه دادند؛ مى توانستيم يك مراسم داشته باشيم اما اجازه نداشتيم مراسم دعا براى بيماران را برگزار كنيم. من نمى توانم... اين خدمت است. من موظف به انجام كارى هستم كه روح القدس به من مى گويد. بنابر اين با شرايط فوق مخالفت كردم زيرا مى خواهم براى انجام هركارى كه روح القدس به من مى گويد آزادى عمل كامل داشته باشم. ملاحظه مى كنيد؟ با اين حساب فكر كردم كه مى توانيم هر طور كه هست يك روز بيشتر را درون خيمه طاقت بياوريم. و تازه هواى امروز صبح خنك است. خداوند روز خوبى را براى ما آماده کرده است، بنابر اين شكرگزارش هستيم.

۱۶. حال، با اين كار، وقتى آمدم اينجا قصد داشتم راجع به اين مسائل تعليم دهم، راجع به واپسين پياله يعنى هفت پياله نهايى و هفت كرنائى نهايى و نيز هفت رعد نهايى كه در كتاب مكاشفه از آنها ياد شده است، [در اين راستا] مى توان آنها را در پرتو زمانه و دورانى كه اينك در آن به سر مى بريم به يكديگر مرتبط كنيم؛ تا به اين ترتيب ادامه‌اى بر مبحث گشايش هفت مهر و هفت دوره كنيسا باشد. اما براى پرداختن به اين موضوعات، فضاى مناسبى در اختيار نداريم. بنابر اين اميدوارم در آينده‌اى نزديك بتوانيم حالا خواه فضايى بزرگ و مناسب براى اين كار را در لويويل و نيواالبانى پيدا كنيم و يا اينكه بتوانيم چادري برپا كنيم تا به اين ترتيب بشود هر قدر خداوند هدايتمان كند آنجا بمانيم.

۱۷. اما در اين ميان، مى خواهم اين فرصت را مغتنم شمرده و از ايمان خود به خدا، به مردم بگويم و امور زمان كنونى را نيز براى شما عزيزان بازگو كنم. مسائلى كه در اين زمينه مطرح مى شود در اين حالت آنچه صادر شود مختص و از آن يك شخص خاص، يك اعتقادنامه يا هر چيز ديگرى نيست؛ بلكه بازگو كننده همان چيزى است كه در كلام رؤيت کرده‌ام. يكشنبه گذشته نزول روح القدس را با كيفيتى فوق العاده از طريق كلام تجربه كرديم. آن جلسه خيلى به درازا كشيده بود، هيچ تمايلى ندارم كه مدت حضورم تا اين حد طولانى شود؛ اما نکته اينجاست كه نمى دانيم كدام يك از آن ديدارها ديدار نهايى مان خواهد بود. ما بايد... اگر بخواهيم. ترجيح مى دهيم آن گونه كه پولس بيشتر گفت باشم: «زيرا كه از اعلام نمودن شما به تمامى اراده خدا كوتاهى نكردم.» عيسى گفت كه چيزى را از شاگردان خود پنهان نكرده است.

در مواردى تلاش براى ماندن تحت مسيح روح القدس و دريافتن آنچه پيغام وقت است چنان مشغولم مى كند كه بعضاً از بيرون رفتن و انجام وظايفم به عنوان

یک خادم مسیح و یک کشیش بازمی‌مانم. اما در کنار مردان بسیاری هستند که می‌کوشند در انجام وظایف یاریم کنند که از همه آن برادران خادم سپاسگزارم.

۱۸. باری، هدفم نگه داشتن مردم نیست. اگر برای شما که جایی در این خطه مخاطب این پیغام هستید امکانش وجود داشت که بایستید و حال و هوای امروز صبح اطراف کلیسا را نظاره کنید و نیز شاهد باشید که در راهروهای کلیسا، در محل نگهداری بچه‌ها و دیگر جاها چه خبر است مثل آن بیرون که در اتوبوس‌ها، تریلرها یا اتوموبیل‌ها رادیوها روشن هستند، آن وقت می‌فهمید که مشکل چیست. در هر جلسه عده بسیاری می‌آیند و زنگ می‌زنند و هر کاری می‌کنند اما موفق نمی‌شوند به داخل راه پیدا کنند. نیاز به فضای بیشتری داریم تا مردم بتوانند بنشینند و راحت باشند.

حس می‌کنم برای ارائه و رساندن چنین پیغامی که به نظرم بسیار حیاتی و مهم است باید شرایطی فراهم کنیم که هر کس بتواند راحت سرگشاید بنشیند و بعد می‌توانیم گوش کنیم و از وسایلمان مثل قلم، کاغذ، یادداشت و کتاب مقدس به بهترین شکل برای یادداشت برداری استفاده کنیم. این طوری به گمانم می‌توانم برگردم سر وقت و زمانی که باقی مانده و دورانی که در آن به سر می‌بریم و به این مسائل بپردازم و بکوشم شما را در جریان اموری که با آن مواجه خواهید شد و قرار است واقع شوند قرار دهم. شما به این چیزها نیاز خواهید داشت.

۱۹. اگر امروز یا یک روز دیگر به اینجا بیایم، یا اگر خادم دیگری بیاید، و بر آن شوم پیغامی را به مردم برسانم، و با توجه به این که ما مردمانی فانی بیش نیستیم و از آنجا که بر این باورم که وقت در این ایام نزدیک و تنگ است، نهایت ریاکاری است اگر سعی کنم چیزی را اعلام کنم که خوشایند شما و علیه کلام خدا باشد، یا چیزی بگویم که عده زیادی جذب شوند یا چیزی از این دست؛ آن موقع من خادم مسیح نخواهم بود. می‌خواهم ارائه دهنده چیزی باشم که فکر می‌کنم کاربردش برای شما حیاتی است و نه آنکه فقط دیدنی و نظرگیر باشد؛ بلکه چیزی که اگر همین امروز مردم چنان در قلبتان ریشه دوانده باشد که فردا شما را به سمت پیشرفت و خدمت به خدا سوق دهد.

۲۰. اینک می‌خواهم بگویم که اتفاقی در راه است. من این را می‌دانم. بسیاری از شما یادتان هست که برادر جونیور جکسون کمی قبل از رفتن به آریزونا پیش من آمد و از خوابی که دیده بود گفت. چه ماجرای غریبی بود! چند نفر یادشان مانده است؟ [جماعت می‌گویند: "آمین" - گروه تألیف] و خداوند همانجا تعبیرش را به ما رساند. و سیر وقایع هم موبه مو همان که گفته شده بود از آب درآمد. اینک وی خواب دیگری دیده است.

۲۱. و نکته غریب این است که آن روز مردی از اهالی اُرگان اینجا بود. کسی که مرا چندان نمی‌شناخت و چیز زیادی نمی‌دانست... و او هم خوابی دیده است عین همان خواب جونیور جکسون و در همان رابطه، نزد من آمد و آن را

تعريف كرد. من- من تعبيرش را نمى دانم؛ منتظر خداوندم. اما مى دانم كه آنچه در راه است از جانب خداست. به ياد داشته باشيد كه اين قول خداوند است. چيزى است كه از جانب خداوند مى آيد. واقعاً معنى آن را نمى دانم. اما به راستى تكان دهنده است، خيلى تكان دهنده! صادقانه، طيق آن خوابهايى كه آن دو مردديدند... يكي از آنها چه بسا پاپتيست يا پرزببترى باشد. احتمال دارد امروز صبح اينجا نشسته باشد. نمى دانم، آن روز كه اينجا بود. من آن آقا را نمى شناسم. ۲۲. اما خوابش را با چشمانى پر از اشك تعريف كرد. از آن تكان خورده بود. آن همه راه از اركان آمده بود اينجا تا از آن بگويد. برادر جكسون هم امروز صبح به همين نحو آمد. هيچ يك از اين دو آقا ديگرى را نمى شناسد؛ بيش از هزار مایل دور از هم زندگى مى كنند و هر دو دقيقاً درباره امرى يكسان خواب ديده اند. فعلاً روح القدس تعبيرش را از من پنهان كرده است. نمى دانم چه بايد به اين آقا بگويم، اما مى دانم كه خدا تدارك كارى را مى بيند، كارى كه شكوهش چشم هايما را به خود خيره خواهد كرد.

۲۳. حال مى خواهم با خواندن كتاب غلاطيان به پيغام امروز صبح ببردارم. اين صرفاً موعظه اى نيست كه من... اين يكي از دروس مدارس يكشنبه است. و حال شما آقايمان و خانمهايى كه کنار ديوار ايستاده ايد، اگر كسى حاضر شود جايش را با شما عوض كند و بگذارد شما بنشيند مانعى نيست و اذيت نخواهم شد؛ منش توأم با احترام را حفظ كنيد. آن مادرانى كه بچه هايشان گريه مى كنند مى توانند آنها را به شخصى كه از محل نگهدارى بچه ها مى آيد، بسپارند چون آنجا براى كوچكترها تدارك ديده شده است.

۲۴. حال قلم و كتاب مقدس خود را حاضر كنيد و آماده يادداشت بردارى از نگاهشده هاى كتاب مقدسى كه خواهيم خواند شويد. نمى خواهم خود را در قيد و بند حس كنيد. دوست دارم خود را براى نشستن و مطالعه در آزادى كامل حس كنيد. و چه بسا مخالف گفته هايم باشيد، اين موضوع كاملاً درست و قابل فهم است. اما آنچه امروز صبح مى گويم در سراسر كشور پخش مى شود و دغدغه ام اين است كه مردمانى كه به پيغام ايمان آورده اند و خداوند آنها را به من سپرده است در جريان آنچه بناست واقع شود قرار گيرند و بتوانم آن امور را در پرتو كلام مشخص كنم.

۲۵. يكشنبه گذشته از مسح شدگان روزهاى آخر سخن گفتيم. و اگر شما، يعنى هر كدامتان اهل نوار گوش دادن هستيد، حتماً آن نوار را تهيه كنيد. فكر نكنيد اين حرف را براى فروش نوارها مى گويم، به هيچ وجه چنين نيتى وجود ندارد. نيت اشاعه پيغام است. مى بينيد؟ ملاحظه مى كنيد؟ اگر دستگاه پخش داريد، عده اى را جمع كنيد و نوار را بگذاريد و همه با هم با دقت گوش كنيد، عنوانش "مسح شدگان" است.

۲۶. مى شنويد كه عده اى برخاسته و مى گويند: «در كتاب مقدس آمده است كه در روزهاى آخر انبيا كذب ظهور كرده و چنين كارهايى خواهند كرد.» اين دقيقاً

سخن کلام است. اما این سخن کجا و تحت چه شرایطی کاربرد پیدا می‌کند؟ این از آن مواردی است که باید به شکل صحیح و درست به کار رود.

امشب اگر خدا بخواد می‌خواهم درباره خدای مکشوف در کلام خویش سخن بگویم و این که چگونه آنجا که گوش باید به کار برده شود، چشم کاربردی ندارد. التفات دارید؟ به این می‌ماند که کل کتاب مقدس را چاپ کنید و کل کتاب مقدس عیسی مسیح را نشان دهد. بنابراین قصد دارم امشب اگر خدا بخواد در این باره صحبت کنم. در غیر این صورت این بحث را به تاریخی دیگر موکول خواهم کرد.

۲۷. حال کتاب غلاطیان را مرور کنیم. یعنی بخش‌هایی از دوم قرن‌تینان ۴: ۱-۶ و همچنین غلاطیان ۱: ۱ تا ۴ را از نظر می‌گذرانیم. حال در غلاطیان ۱: ۱ تا ۴ آمده است: "پولس، رسول" اینجا یک لحظه مکث کنید، رسول به معنای "فرستاده" یا "صاحب مأموریت، مأمور شده" است.

پولس، رسول نه از جانب انسان و نه به وسیله انسان بلکه به عیسی مسیح و خدای پدر که او را از مردگان برخیزانید

و همه برادرانی که با من می‌باشند، به کلیساهای غلطیه

فیض و سلامتی از جانب خدای پدر و خداوند ما عیسی مسیح با شما باد؛

که خود را برای گناهان ما داد تا ما را از این عالم حاضر شریب به حسب اراده خدا و پدر ما خلاصی بخشد

که او را تا ابدالابد جلال باد. آمین

۲۸. و حال باب چهارم از کتاب دوم قرن‌تینان را از آیات ۱ تا ۶ می‌خوانیم.

بنابراین چون این خدمت را داریم، چنانکه رحمت یافته‌ایم، خسته خاطر نمی‌شویم؛

بلکه خفایای رسوایی را ترک نموده، به مکر رفتار نمی‌کنیم و کلام خدا را مغشوش نمی‌سازیم؛ بلکه به اظهار راستی خود را به ضمیر هر کس در حضور خدا مقبول می‌سازیم.

لیکن اگر بشارت ما مخفی است، بر هالکان مخفی است،

اگر این فراز اشاره به برگزیدگی و مربوط به آن نیست، پس نمی‌دانم چیست.

که در ایشان خدای این جهان فهم‌های بی‌ایمانشان را کور گردانیده است که مبادا تجلی بشارت جلال مسیح که صورت خواست ایشان را روشن سازد

این عیناً مثل ماجرای باغ عدن است «ایشان را برانید، مبادا آن درخت را لمس کنند.»

زیرا به خویشتن موعظه نمی‌کنیم، بلکه به مسیح عیسی خداوند... اما به خویشتن که غلام شما هستیم به خاطر عیسی.

زيرا خدايى كه گفت تا نور از ظلمت درخشيده، همان است كه در دلهاى ما درخشيده تا نور معرفت جلال خدا در چهره عيسى مسيح از ما بدرخشد.

۲۹. آمين! پس اين شرح و خوانش خود كلام است! حال موضوع متن امروز صبح من "خداى اين روزگار شريف" است. چنان كه در كلام خوانديم وديديم كه عبارت "خداى اين جهان" و در آيه‌هاى ديگر عبارت "عالم و روزگار حاضر شريف" به كار رفته است.

حال اين پيغام شرارت‌هاى اين عالم و روزگار حاضر شريف را متذكر شده و به همخوانى آنها با نبوت كتاب مقدس خواهد پرداخت. و ايمان دارم كه... كتاب مقدس براى هر دوران و روزگارى پاسخى در خور دارد، پاسخى كه پيش از اين براى ايماندار آن دوران و روزگار مكتوب شده است. باور دارم كه هر چه نياز داريم درست در اينجا مكتوب شده است، و تنها روح القدس قادر به بازگويى آن است. فكر نمى‌كنم كه هيچ بنى بشرى بر روى زمين اين حق را داشته باشد كه تفسير خود را از كلام ارائه دهد. خدا نياز ندارد كسى كلامش را تفسير كند. او خود شارح و مفسر خويش است. وقتى گفت كارى را انجام خواهم داد، آن را انجام مى‌دهد.

۳۰. چنانكه بارها گفته‌ام. او گفت: «باكره آيستن خواهد شد.» او اين سخن را از زبان يك نبى بيان كرد، و باكره‌اى آيستن شد. هيچ كس نبايد اين سخن را تفسير كند. او در ابتدا گفت: «روشنايى بشود» و چنين شد. كسى نبايد تفسيرش كند. گفت كه: «در ايام آخر از روح خود بر تمام بشر خواهم ريخت.» و چنين كرد. اصلاً نيازي به تفسير آن نيست. گفت «در ايام آخر اين امور» (كه اکنون در شرف تحقق هستند) « اينجا رخ خواهند داد» و چنين شد. و اين بى‌نياز از شرح و تفسير است. و از قبل تفسير شده است. ملاحظه مى‌كنيد؟

۳۱. حال، درحالى كه مشغول تفحص كلام مى‌شويم حواس خود را جمع كنيد. خداى اين روزگار شريف يعنى همين زمانه اى كه اکنون در آن بسر مى‌بريم. اين موضوع عجيب به نظر مى‌رسد، بسيار عجيب، آن هم در اين دوران فيض، دورانى كه خدا «قومى را به جهت نام خود جمع و آماده مى‌كند»، قومى كه عروس اوست، در اين روزگارى كه بايد روزگار شريف خوانده شود، خدا از سر فيض «قومى را به جهت نام خود» به خروج فرامى‌خواند و اين دوران به روزگار شريف شهره است. حال از طريق كتاب مقدس ثابت خواهيم كرد كه اين همان روزگارى است كه خدا از آن گفته بود. فكر كردن به اين كه خدا عروس خود را در چنين عصر اهرىمنى فراخواهد خواند بسيار عجيب است.

۳۲. دقت كنيد، او گفت: "يك قوم" و نه يك كليسا. چرا؟ حال آن كه اين قوم را كليسا هم خوانده‌اند، اما او "يك قوم" را فراخواهد خواند. حال، كليسا اجتماعى از آدم‌هاى بسيار از جنس‌هاى گوناگون و متفاوت است. اما خدا اينجا يكي را فرامى‌خواند... او ننگفت، «كليساى متديست، باپتيست يا پنطيكاستى را فراخواهد خواند.» او گفت كه يك قوم را فراخواهد خواند. براى چه؟ به جهت نامش.

توجه دارید؟ یک قوم؛ یعنی یک نفر از کلیسای متدیست، یک نفر از کلیسای باپتیست، یکی از میان لوتری‌ها، یک نفر از میان کاتولیک‌ها. می‌بینید؟

بنابراین او یک گروه و مجموعه کلیسایی را فرامی‌خواند بلکه او «قومی را به جهت نام خود» آماده می‌کند، یعنی کسانی که نام او را دریافت کرده‌اند و متعهد به نام او هستند و برای بستن پیمان ازدواج با او عازم عروسی خواهند شد، تا از راه برگزیدگی جزء و بخشی از او شوند. مثل مردی که زنی درستکار را به همسری برگزیده و سرنوشت چنین مقرر کرده که آن زن باید بخشی از بدن او شود. بنابراین عروس مسیح بنابر تقدیری که خدا از پیش برایش رقم زده در آینده و از هم اکنون نیز بخشی از آن بدن (بدن مسیح) هست و خواهد بود. ملاحظه می‌کنید؟ نوشته‌های کتاب مقدس بسیار غنی است و پر از شهد عسل!

۳۳. دقت کنید، این چیزی نیست که یک شخص گفته باشد، این فراخوان کار یک شخص نیست؛ بلکه این خداست که پیش از بنیان عالم دست به این انتخاب زده است و این مردمان را در ایام آخر فراخوانده و گرد هم خواهد آورد؛ و نه یک مجموعه تشکیلاتی بلکه «قومی به جهت نام خود» و این روزگار شریر حاضر مقارن با زمانی شده که او مشغول این کار خواهد بود، آری در همین روزگار نیرنگ و فریب.

۳۴. هفته گذشته با استناد به متی ۲۴ معلوم شد که عصر کنونی بیش از سایر عصرها به نیرنگ و فریب، آلوده است. یعنی نسبت به همه دوره‌های آلوده به نیرنگ و فریب که پس از باغ عدن سپری شده اند، هرگز روزگاری به اندازه روزگار کنونی آلوده به فریب و نیرنگ نبوده است. «انبیا کذب ظاهر شده علامات و معجزات عظیمه چنان خواهند نمود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردند.» ملاحظه می‌کنید؟ حال آن کلیساهای سرد، تشریفاتی و خشک که مبانی الهیاتی آنها ساخته انسان است به جایی نخواهند رسید؛ برگزیدگان هرگز توجهی به این مسائل نخواهند داشت، مسئله این است که نسخه‌های بدلی تقریباً شبیه نسخه‌های اصلی هستند. کافی است فقط یک واژه از کلام کنار گذاشته شود. با این وجود وعده‌ای برای این عصر داده شده است. چه دوره خارق‌العاده‌ای! شما مسیحیان سراسر جهان دوره‌ای که در آن بسر می‌بریم را با دقت زیر نظر بگیرید! یادداشت برداری کنید، بخوانید و به دقت گوش کنید.

۳۵. از چه روی خدا باید در این روزگار شریر و اهریمنی قومی را به جهت نام خود فراخواند؟ دلیلش آزمودن عروسش است... در آن موعد عروس باید آشکار شده، آزمایش شده و خود را اثبات کند، باید خود را در برابر شیطان اثبات کند. کیفیتی که در ابتدا بود در فرجام روند نیز دیده خواهد شد.

۳۶. درست مثل دانه که ابتدا و آغازش از دل خاک است و در ادامه به واسطه مجراها و حامل‌های حیات رشد می‌کند اما در انتها به شکل همان دانه‌ای که به خاک رفته بود، درمی‌آید.

و به همان‌گونه که بذر فریب و نیرنگ در باغ عدن کاشته شد در ایام آخر نیز به همان شکل و شمایل بازگشته و به همان منتهی خواهد شد.

درست مانند زمانی که در نیقیه، انجیل در فضایی فرقه ای افتاده و به روم رسید، در سرانجام این روند شاهد شکل‌گیری یک ابر فرقه هستیم.

[در نقطه مقابل] کلیسای اصلی قرار دارد که وقتی بذران کاشته شد و مسیح در میان مردم ساکن بود انواع آیات و معجزات به ظهور رسید تا بعد در ایام آخر به خدمت ملاکی ۴ منتهی شده و به این ترتیب همان ایمان که در ابتدا داده شده بود احیا گردد.

۳۷. حال درمی‌یابیم که حکمت این عالم و روزگار شریر حاضر ثابت کردن این نکته به شیطان است که این عروس شبیه حوا نیست، او از آن نوع زنان نیست. عروس از طریق کلام خدا آزموده خواهد شد، درست همان طور که عروس آدم از طریق کلام آزموده شده بود. و عروس آدم به هر آنچه در کلام بود ایمان داشت اما در مورد یک وعده دچار سردرگمی شد، اینکه « او دیروز، امروز و تا ابد همان است.» ملاحظه می‌کنید؟ او آنجا که رو در رو در معرض وسوسه دشمن قرار گرفت در مورد یک وعده دچار لغزش شد. و حال قومی که به جهت نام او خوانده می‌شود مسلماً در جایگاه عروس قرار می‌گیرد. و عروس باید از همان راه و طریق مرسوم، به خدا وصل شود و نه به واسطه یک حقیقت فرقه‌ای یا هر چیز دیگر، بلکه از طریق کل کلام خدا!

۳۸. زیرا در ابتدای کتاب مقدس، کلام خدا به انسان داده شد تا به آن زیست کند. یک کلمه از سوی شیطان که در قالب یک شخص و در جلد حیوانی به نام مار فرورفته بود، سوءتعبیر و تحریف شد. شیطان در قالب این شخصیت قادر بود با حوا گفتگو کرده و کلام را به شکل تحریف شده به او ارائه دهد و با این کار سبب هلاکتش شود. می‌بینید، کلام در تمامیتش و با هر یک از واژه‌هایش کلام است.

۳۹. جایی در میانه کتاب مقدس عیسی آمد و گفت: «انسان نه محض نان زیست می‌کند، بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان خدا صادر گردد» و اینها را زمانی گفت که شیطان در حال وسوسه وی بود.

حال خدا به ما می‌گوید که « خدای این جهان بار دیگر در زمانهای آخر به پا خواهد خاست.»

« اگر کسی به این کلام چیزی بیفزاید یا از آن چیزی بکاهد نصیب او از درخت حیات کتاب منقطع خواهد شد.»

خدایا به ما رحم کن! نگذار با تکبر و سینه‌های جلوداده و سرهای بالا حرکت کنیم، زیرا ما نیز زمانی در وضعیت نا اطاعتی و معصیت قرار داشتیم. بگذار تا همراه با فیض، رحمت و قلبی سرشار از مهر به خدا، با تواضع و افتادگی به سوی تخت فیض پیش برویم.

۴۰. عجیب است که پس از نزدیک به هزار و نهصد سال موعظه انجیل اینک نظام جهانی به مراتب بیش از آن روزها که عیسی روی زمین بود گرفتار شریر و شرارت است. نظام جهانی بیشتر به شرارت آلوده شده است. دنیا به سمت یک نقطه عطف پیش می‌رود. این را می‌دانید. خداوند در حال اجرای کلامش در همه زمینه‌هاست.

۴۱. دیروز، درحالی که ایستاده... امیدوارم این دوست مان ناراضی نباشد... مشکلی نخواهد داشت. به همراه همسر و خانم وودز و برادر روی رابرتسون و برادر وودز به جایی در همین محدوده رفته بودیم و نزدیک مرکز خرید کوچک یانگزتون توقف کردیم تا بسته‌ای متعلق به خواهر وودز را تحویل بگیریم. در همان حال که منتظر ایستاده بودیم مرد جوانی پیش آمد و خود را معرفی کرد، او برای من غریبه بود. مرد جوان دیگری آمد و گفت که آنها اهل آلاباما، جور... به گمانم جورجیا بود؛ چون از آنها پرسیدم که آیا برادرمان ولچ ایوانز را می‌شناسند. چند دقیقه‌ای صحبت کردیم. وقتی آماده رفتن می‌شدم آن مرد جوان نگاهی به من انداخت. آن مرد جوان دیگر همراه پسر کوچکش در حال دور شدن بود و دیگری به من خیره شده بود. گفت: «فقط می‌خواهم یک چیز بگویم.»

گفتم: «آیا شما ایماندار هستید؟»

گفت: «نه آقا» گفت: «من...»

۴۲. شاید نتوانم واژه دقیقی که به کار برد را اینجا نقل کنم، اما به نظر می‌رسید که کمی در شک و نابوری بود. از او درباره مسائلی مثل ظاهر شدن فرشته خداوند پرسیدم. گفت که درباره آن شنیده است، اما پیش از این به کلیسا یعنی این کلیسا نرفته است. به او گفتم: «آیا به آن حقیقت ایمان داری؟»

گفت: «بله آقا» گفت: «چیزهایی است که دنبال کرده و دیده‌ام.» ادامه داد: «مردم برایم از آن امور و پیشگویی‌ها گفته‌اند، و درنواری شنیدم که چطور پیشگویی کردید که کالیفرنیا متلاشی خواهد شد.» گفت: «وقتی آن حرف‌ها را در روزنامه خواندم همه را باور کردم.» گفت: «من امروز یا فردا می‌آیم» که می‌شود همین امروز «و این دفعه اولم خواهد بود.»

گفتم: «خداوند به تو برکت دهد پسر.» و با او دست دادم.

گفت: «آقا اما چیزی هست که می‌خواهم به شما بگویم.» گفت: «من به شکلی گم شده‌ام، مثل سکه‌ای در میان شن‌ها.» اوضاع من چنین است، از دست رفته و گم‌شده!

۴۳. گفتم: «اما مجبور نیستی در همین وضعیت بمانی. اکنون کسی هست که در لحظه‌ای که آماده پیدا کردن خودت شدی بتواند پیدایت کند.»

گفت: «من آماده‌ام.»

گفتم: «می‌توانی سرت را خم کنی؟»

گفت: «ابایی ندارم.»

و نه تنها این کار را کرد، بلکه در آنجا که محل پارک بود و در میان آن همه آدم زانو زد. مردمی که در خیابان بودند او را تماشا می‌کردند. آنجا با او دعا کردیم و قلبش را تقدیم خدا کرد. او هنگام آمدن گناهکاری بیش نبود و در هنگام بازگشت در مقام فرزندی خدا قرار گرفته بود. هنگام حرکت به سوی ماشین مرده بود و هنگام بازگشت زنده شده بود.

۴۴. گفتم: «فردا مکان تعمید برای استفاده باز است.»

چشمه‌ای هست که زان خون لبریز است،

زان خون جاری شده از رگهای عمانوئیل

همانجاست که گنهکاران در سیلاب غوطه خوران،

زان همه لکه جرم و گناه فارغ می‌شوند.

گفتم: «برخیز و به نام عیسی مسیح تعمید بگیر، که این نام خداوند است. خدا تو را از روح القدس پر خواهد کرد، و چیزهایی فوق‌العاده به تو خواهد بخشید، و کاری خواهد کرد که بتوانی حقیقت را رؤیت کنی.»

۴۵. چه خبر است؟ جهان به سوی نقطه عطفی پیش می‌رود. چرا؟ زیرا روح بی‌قیدی، فساد اخلاقی، علم‌کشی، دنیا را به آنجا می‌برد که به تعبیر کتاب مقدس «ملاذ هر مرغ ناپاک و مکروه است.» بگذارید آن فراز را از مکاشفه ۱۸ بخوانیم. از همانجا که این بحث شروع می‌شود، مکاشفه ۱۸ آیات ۱ تا ۵. فکر کنم اینجا یادداشتش کرده بودم.

بعد از آن دیدم فرشته‌ای دیگر از آسمان نازل شد که قدرت عظیم داشت و زمین به جلال او منور شد.

و به آواز زورآور ندا کرده گفت: «(قابل توجه شماهایی که خواب دیده بودید) منهدم شد، منهدم شد بابل عظیم! و او مسکن دیوها و ملاذ هر روح خبیث و ملاذ هر مرغ ناپاک و مکروه گردیده است.»

زیرا که از خمر غضب‌آلود زنانی او (کلیسا) همه امت‌ها نوشیده‌اند و پادشاهان جهان با وی زنا کرده‌اند، و تجار جهان از کثرت عیاشی او دولت‌مند گردیده‌اند، و صدایی دیگر از آسمان شنیدم که می‌گفت، ای قوم من از میان او بیرون آیید، مبادا در گناهانش شریک شده، از بلاهایش بهره‌مند شوید.

زیرا گناهانش تا به فلک رسیده و خدا ظلم‌هایش را به یاد آورده است.

۴۶. چه هشدار! [هشدار] که دقیقاً کلیسا را به مکاشفه ۱۴:۳ باز می‌گرداند، به عصر بی‌قید و بی‌بندوبار لائودکیه؛ به راستی مذهبی اما بی‌قید و بی‌بندوبار. «زیرا می‌گویی دولت‌مند هستم و به هیچ چیز محتاج نیستم و نمی‌دانی که عریان، مستمند و کور هستی.» و این کاملاً با نگاه‌های مربوط به این عصر می‌خواند

و انطباق دارد، و نه با نگاشته‌های مربوط به عصر دانیال، و به آنها که به نام... به عصر نوح مربوط می‌شد، بلکه هماهنگ با اموری است که به این عصر شریر حاضر ربط دارد.

۴۷. توجه کنید، گفته شده که «تو عریان هستی.» بیابیم وارد عمق بحث شویم. می‌دانم که ممکن است این طرز فکر مخالفان بیشتری داشته باشد، اما این واقعیت است که کار به جایی رسیده که یک مسیحی به هنگام خروج از منزل سخت بتواند به مظاهر این عصر شریر حاضر برنخورد، نمونه بارز آن زنانی هستند که پوشش مناسبی ندارند.

۴۸. ای بانوان می‌خواهم به آنچه می‌گویم گوش دهید. و چه بسا مردان و زنان با این مطلب موافق نباشند، اما حس می‌کنم برای گفتنش هدایت شدم. آیا این را می‌دانید که زنی که این طور لخت شود در شرایط سلامت ذهنی قرار ندارد؟ آیا می‌دانید که چنین شخصی، خواه بپذیرد یا نه، یک فاحشه است؟ حتی اگر در موقعیتی باشد که بتواند با دست بالا رفته در حضور خدا بایستد و قسم بخورد که هیچ مرد دیگری جز شوهرش او را لمس نکرده و این حرف عین حقیقت باشد باز هم آن شخص فاحشه است. عیسی گفت: «هرکس به زنی نظر شهوت اندازد همان دم در دل خود با او زنا کرده است.» و آن زن شاید...

۴۹. می‌بینید، کلیسای لائودکیه «عریان» است، اما خودش «این را نمی‌داند.» روحی که او را به ارتکاب چنین اعمالی وامی‌دارد یک روح شریر و فحشاست، چه بسا جلوه بیرونیش، بدن فیزیکیش، تنش پاک باشد. چه بسا در آن معنا مرتکب زنا نشده باشد و به خدا سوگند یاد کند و درست هم بگوید، اما با این وجود روحی که او را دربر گرفته یک روح فحشاست. خدای این دنیای مُد چنان چشمانش را کور کرده که لباس‌های سکسی به تن می‌کند و بیرون می‌رود.

۵۰. آن روز من و برادر وودز قایقمان را به رودخانه انداختیم. برای دقایقی از خانه دور شدم و در رود حرکت کردیم. هر جا که می‌رفتیم زن‌هایی را می‌دیدید که آن چیزهای کوچک... که اسمش بی‌کینی یا چیزی شبیه این است را پوشیده بودند. این یک ننگ است. زنی که چنین چیزی به تن کند نمی‌تواند برخوردار از سلامت ذهنی و عقلی باشد. چنین زنی درتسخیر روح فحشاست. حال خانم‌ها، این موضوع را با خدا حل و فصل کنید، زیرا روزی درخواهید یافت که این حرف حقیقت است.

۵۱. چگونه شما که یک بانو هستید و به ارزش و تقدس بدن خود واقفید می‌توانید آن را چنین در برابر نگاه‌های شهوانی و گناه‌آلود آدم‌های خناس این دوره و زمانه که در کوچه و خیابان می‌چرخند به نمایش بگذارید؟ اگر پسران خدا هنوز پسر خدا بودند و اگر شوهرتان پسر خدا بود یا باید لباس بر تن شما می‌کرد و یا شما را ول می‌کرد. اگر یک پسر، فرزند خدا باشد هرگز با چنین چیزی ازدواج نخواهد کرد. متوجه هستید؟

می‌گویید: «تو داری...» نه.

دارم حقيقت را به شما مى‌گويم، و روزى با حقيقت روبرو خواهيد شد.» آنها عريانند، زناكارند؛ بى آنكه بدانند.»

۵۲. « قسم مى‌خورم كه هرگز عهدى كه با شوهرم بستم را نشكستم.» در اين باره شوهرتان قضاوت خواهد كرد. اما خدا شما را از روى جنس روحتان قضاوت خواهد كرد؛ او شما را نه از روى بدنتان بلكه از روى روحتان و آن شخصيت و انسان درونتان قضاوت خواهد كرد.

۵۳. انسان بيرونى يك موجود فيزيكى است كه توسط حواس شش‌گانه... يا در واقع حواس پنج‌گانه كنترل مى‌شود. انسان درون روحى است كه آن هم توسط پنج نوع حس كنترل مى‌شود يعنى ضمير و وجدان، عشق، و مواردى از اين دست. انسان بيرونى مى‌بينيد، مى‌چشد، لمس مى‌كند، مى‌بويد و مى‌شنود.

اما در درون اين مجموعه روح قرار دارد و نفس كه توسط يك چيز كنترل مى‌شود و آن هم اراده آزاد و اختيار شماسست. شما مى‌توانيد گفته‌هاى شيطان را بپذيريد يا گفته‌هاى خدا را. و همين مشخص مى‌كند كه چه نوع روحى در آن جسم كار مى‌كند. اگر روح خدا باشد آن را به امور الهى تغذيه خواهد كرد و نه به امور دنيوى. عيسى گفت: «اگر دوستدار دنيا و امور دنيوى هستيد به آن سبب است كه محبت خدا به درون شما راه نيافته است.» چون شيطان فريبان داده است. « و انسان نه محض نان زيبست مى‌كند بلكه به هر كلمه‌اى كه از دهان خدا صادر گردد.»

توجه كنيد، پس در مى‌يابيم كه كليساىي كه از آن صحبت شد «عريان»، هرزه و برهنه است.

۵۴. همچنين به نظر مى‌رسد كه جهان در شرارت بارترين دوران خود قرار دارد. در هيچ روزگارى زنان چنين رفتار نكرده‌اند، هرگز [چنين نبوده]، مگر درست قبل از نابودى جهان يعنى در روزگار پيش از طوفان نوح. و عيسى به اين مورد اشاره کرده است. اندكى بعد به اين موضوع خواهيم رسيد.

۵۵. آيا خداست كه تسلطش بر امور را از دست داده يا اين كه صرفاً اجازه داده تا عامل ديگرى بر امور مسلط شود؟ اين سوالى است كه مى‌پرسم. به نظر من پاسخ حقيقى اين پرسش اين است كه در دنياى امروز دو روح متضاد با يكديگر در حال فعاليت هستند. و وجود بيش از دو روح و دو سر ممكن نيست. يكى از آن دو روح فعال، روح القدس است. ديگرى روح شيطان است كه در روزهاى آخر بيش از پيش از راه فريب و اغوا كارش را پيش مى‌برد.

حال پايه و اساس افكار و استدلال‌هايم در ادامه اين متن و پيغام، همين اصل خواهد بود.

۵۶. دو روح داريم. يكى از آنها روح مقدس خداست؛ ديگرى روح شيطان است كه كارش فريب و اغواست. مردمان زمين سرگرم انتخاب هستند.

در اینجا روح القدس عروسی را برای مسیح فرا خواهد خواند. او با تأیید وعده کلام برای این ایام به عروس، این مهم را به انجام می‌رساند؛ همچنین با نشان دادن این که آن کلام خود مسیح است.

اگر در این ایام صلاح بر جنبیدن و حرکت کردن انگشت باشد، انگشت حرکت خواهد کرد. اگر در این دوران مقرر شده باشد که پا حرکت کند، پا حرکت خواهد کرد. اگر روزگار چشم است که باید بنگرد، چنین خواهد شد. می‌بینید؟

روح خدا تا پری قامت الهی فزونی می‌یابد این کیفیت کار در روزگار کنونی است. اکنون اینجا روح القدس در حال تأیید و اثبات پیغام زمان است. روح القدس این کار را می‌کند تا مردمانی که به خدا ایمان دارند از این اوضاع نا به سامان و آشفته خارج شوند.

اما روح نامقدس شیطان کلیسای خود را مانند همیشه از راه ضلالت، گمراهی و تحریف کلام خدا، فرا خوانده و جمع می‌کند درست به همان شکل که در ابتدا کرد. می‌بینید که چطور باز هم به همان بذر باغ عدن باز می‌گردیم؟ باز هم همان حکایت.

۵۷. در دوره‌های پیشین شما به فرقه‌ها تعلق داشتید، شما به این/آن یا آن یکی تعلق داشتید. اما چه بر سر فرقه‌ها که حکم ساقه را دارند آمد؟ آنها خشک شدند. روح ترکشان کرده و می‌رود و وارد دانه می‌شود. ملاحظه می‌نمایید؟

۵۸. وسوسه برای هر دو هست و همین ما را به وضعیتی که در ابتدا وجود داشت باز می‌گرداند. الان زمان از یاد بردن این نکات نیست.

چنانکه در اول یوحنا ۴: ۵ و ۶ ذکر شده، اگر خواستید می‌توانید یادداشتش کنید، در آنجا از روح "ضلالت" سخن به میان آمده است.

این طور نبود که حوا خیلی ساده، از روی قصد و آگاهانه گفته باشد «من به خدا ایمان ندارم» نه. او یک تفکر ضلالت‌آلود را پذیرفت.

۵۹. وقتی شیطان می‌آید هرگز نمی‌گوید: «خوب این کلام از خدا نیست.» او پذیرفته که این کلام خداست، کاری که او می‌کند این است که تفسیر مورد نظرش را به آن می‌چسباند. و این کاری است که خدا به وضوح همگان را از آن نهی کرده است.

و نتیجه‌اش چیست؟ «نتیجه‌اش پدید آمدن توهمی شدید است که سبب می‌شود مردم یک دروغ را باور کرده و بپذیرند و به خاطرش محکوم شوند.» اگر دوست دارید چیزی در این باب بخوانید می‌توانید به دوم تسالونیکیان ۱۱:۲ مراجعه کنید.

۶۰. من اینجا شماری از نگاشته‌های کتاب مقدسی مرتبط را یادداشت کرده‌ام اما فرصت خواندن همه آنها را نخواهیم داشت. هر چند وقت یک بار یک نمونه از آنها را با شما در میان خواهیم گذاشت. از آنجا که ممکن است کمی عجیب به نظر

برسد و براي تان سؤال برانگيز شود شايد بتوانيم آنها را يادداشت كنيم و به جهت بناى شما بخوانيم.

۶۱. «خدا آنها را به توهمى شديد گرفتار خواهد كرد» اين چيزى است كه طبق گفته كتاب مقدس در دوم تسالونيكيان قرار است، عارض شود. «اينك آن شخص بدين ظهور خواهد كرد و در معبد خدا جلوس کرده و تظاهر به خدائى خواهد نمود و مردم را گمراه و به توهم زدگى شديد دچار خواهد كرد تا دروغ را پذيرفته و باور كنند؛ و به خاطرش محكوم شوند.»

اين همان كارى است كه شيطان با حوا كرد... او هرگز نگفت كه كلام اشتباه است بلكه وى را گرفتار توهمى شديد كرد تا دروغ را باور كند.

۶۲. روح توهم و گمراهى از شيطان است. «اكنون روح شيطان در فرزندان معصيت عمل مى كند.» اما اين معصيت و نافرمانى نسبت به چه چيزى است؟ فرزندان اين عصر نسبت به چه چيز معصيت مى ورزند؟ آنها نيز مانند حوا از اطاعت از كلام حقيقي خدا سر باز مى زنند. اين درست است. اگر ماييل باشيد به اين نكته مى پردازيم...

افسيان باب ۲ را باز كنيد، فقط يك دقيقه؛ چون به نظر مى رسد كه بهتر است... اگر خيلى عجله نداريد يك دقيقه مكث مى كنم تا اين بخش را بخوانم. افسيان ۲ آيات ۱ تا ۲.

و شما را كه در خطايا و گناهان مرده بوديد، زنده گردانيد،

كه در آنها قبل، رفتار مى كرديد بر حسب نوره اين جهان، بر وفق رئيس قدرت هوا، يعنى آن روحى كه الحال در فرزندان معصيت عمل مى كند.

۶۳. «فرزندان معصيت.» و اگر [روح] ضد مسيح از همان زمان در قالب فرزندان كوچك معصيت ظاهر و جلوه گر مى شد، وقتى در قالب شخص ضد مسيح تجسم يافت چه خواهد شد؟ و چقدر قدرت فريب آن بيشتتر خواهد شد! يك فرد بالغ با قدرتى به مراتب بيش از يك فرزند كوچك مى تواند فريب و نيرنگ تحويل جهان دهد! گفته شده كه «آن روح توهم و فريب اكنون در فرزندان معصيت عمل مى كند»، يعنى كسانى كه نسبت به كلام خدا معصيت مى ورزند. توجه كنيد. حال مى خواهم قدرى در اين نقطه مانده و بر آن متمرکز شوم، يعنى بر روى بحث «فرزندان و كودكان معصيت» صحبت از يك فرزند كوچك و يك بچه است.

۶۴. آيا مى دانستيد كه شما از همان ابتدا... من از طريق كلام مى توانم ثابت كنم كه هر شخصى كه اينجا حضور دارد در پذيرزگرش صاحب حيات بود. همان وقت كه پذيرزگران از پدرش توليد شد جابى در اين سير داشتيد كه در ادامه آن پدرتان به وجود آمد و بعد هم خودتان. آيا اين را مى دانيد؟

من به آنچه در عبرانيان هفت آمده است معتقدم، آنجا كه ابراهيم از شكست دادن پادشاهان باز مى گشت كتاب مقدس مى گويد: «ابراهيم از همه غنايم به او ده يك

داد.» همچنین پولس می‌گوید: «حتی می‌توان گفت از آن لای که خودش متولی دریافت ده یک هست ده یک گرفته شد، زیرا آن هنگام که ابراهیم با ملک‌صدق ملاقات کرد [آن لای] در صلب پدر خود بود.» پس در می‌یابیم هر کاری که ابراهیم کرد لای نیز به وساطت او کرد چون در صلب ابراهیم یا همان جدش بود. ابراهیم اسحاق را آورد؛ اسحاق یعقوب را آورد؛ یعقوب هم پاتریارخ‌ها را آورد از جمله لای.

اینک و به این ترتیب، تصویری کامل و بی‌نقص از برگزیدگی و تقدیر ازلی را مشاهده می‌کنید.

۶۵. اینک و در این پیغام می‌خواهم بر اموری تأکید کنم که در پیغام بازگو کرده‌ام، از جمله آن روشنایی شامگاهی که به گفته خدا به زمین خواهد آمد.

۶۶. توجه کنید: «آن وحش که باید به زمین بیاید همه آنها که نامشان در کتاب حیات بره ثبت نشده باشد را خواهد فریفت، کتاب حیات همان بره که از بنای عالم ذبح شده بود.»

۶۷. همه چیز در افکار خدا یعنی در همان روح پرشکوه بود. در ابتدا، پیش از آن که ابتدا باشد او خدا بود، و آیا می‌دانید که شما در وی بودید؟ اگر امروز یک مسیحی هستید پس در او بوده‌اید.

و اگر چنین باشد کل الوهیت در قامت شخص عیسی مسیح جسمیت یافت. و آنگاه که عیسی بر صلیب مرد، من نیز با او مردم، زیرا در آن مقطع من در او بودم؛ زیرا او پُری کلام بود که آشکار شد و می‌دانست که ما نیز دیرتر آشکار خواهیم شد. و ما در جلجتا همراه وی بویم. همراه با او قیام کردیم، اکنون نیز به واسطه روحش به تخت فیض صعود کرده‌ایم و در عیسی مسیح همراه با یکدیگر در جایهای آسمانی جلوس کرده‌ایم. همیشه!

۶۸. همان طور که بذر حیات طبیعی از پدری به پدر بعدی و پدر بعد از او و پدر دیگر منتقل می‌شود، بذر حیات مسیح نیز به همین ترتیب انتقال می‌یابد.

برای همین است که خدا روح ایلپای نبی را در پنج نوبت متفاوت به خدمت می‌گیرد. این به چه معنی است؟ این در واقع همان دست به دست شدن و توارث و انتقال است.

۶۹. همان طور که حیات طبیعی شما و خصلت‌هایتان از طریق ساز و کارهای طبیعی تولید مثل از پدرتان به شما می‌رسد، به همین ترتیب روح القدس که پیش از بنیاد عالم مقدر شده بود، به ما می‌رسد.

و آنگاه که کلام کامل خدا تماماً وارد یک بدن انسانی موسوم به عیسی شد، خدا از همانجا کاری کرد که بهای گناهانم را بپردازم، زیرا که در او بودم، و سپس او مرا برخیزاند، مرا در روز قیام همراه با مسیح برخیزاند. و اینک همراه او نشستیم و بر هر نیروی شیطانی قدرت و تسلط داریم. ای کاش بخشش خدا را باور می‌کردید! اما اگر آنجا ننشسته باشید آن چیزها را هم ندارید. و اگر آنجا

نشسته باشید و به آن ایمان نداشته باشید و از حرکت کردن هراس داشته باشید، هرگز از آن استفاده نخواهید کرد. اما اگر آنجا نشسته باشید، آن را به کار خواهید برد چون از پیش مقرر شده که کاری را بکنید که می‌کنید.

۷۰. در نقطه مقابل، به گفته کتاب مقدس «فرعون» نیز «برای همین هدف» برانگیخته شد از قرار معلوم او باید فرعون می‌کرد. «یهودای اسخریوطی نیز برای آن که فرزند هلاکت باشد ظهور کرده بود.»

اینک به حقایق بزرگی نزدیک می‌شویم، به آنها توجه کنید.

۷۱. حال شاهدیم که کلیسا از پذیرش حکمرانی کلام خدا سر باز زد و مردم باراباس را به او ترجیح دادند. اگر در پی نگاشته‌های کتاب مقدسی در این باره هستید می‌توانید متی ۱۵:۲۷ تا ۲۳ را از نظر بگذرانید. و این موضوع چه اثراتی را مترتب می‌کند؟ چه وضعیتی را به وجود می‌آورد؟ به این ببینید. کلیسا و جهان مذهبی یعنی مجموعه‌ای با آن نوع شکل زندگی سازماندهی شده و مردانی که خود را عادل و مقدس می‌پنداشتند، و از دید مردم هم چنین بودند، مسیح را به صلیب کشیده و گفتند: «این مرد را در جایگاه حکمران بر خود نمی‌پذیریم.» و عیسی خود پُری کلام بود. این چیزی است که در اول یوحنا باب ۱ بیان شده است. آنها گفتند: «این کلام خدا بر ما حکم نخواهد راند.» هنوز او کلام بود اما چشم‌هایشان سویی نداشت تا هویت وی را ببینند. زیرا او پاسخ مستقیم همه نبوت‌هایی بود که می‌بایست در وی تحقق می‌یافت.

حال همگی ما به این موضوع ایمان داریم چون همگی به عقب می‌نگریم تا شاهد وقوع نبوت‌ها باشیم. اما اگر بر فرض، قرار بود جهان کنونی در همین عصر شریر حاضر به آن دوران برده شود باز هم همان کارهایی را می‌کردند که امروز انجام می‌دهند، چرا که این کماکان همان کلام آشکار شده برای آن عصر معین است. او همان کار را خواهد کرد. کار دیگری نمی‌توانند بکنند. «آنها فرزندان معصیت هستند» «کسانی که به توهمی شدید دچار شده‌اند تا دروغ را پذیرفته و به خاطر آن محکوم شوند.»

۷۲. توجه کنید که در آن زمان کلیسای دنیا به این دلیل عیسی یا همان کلام آشکار شده برای آن روزگار را نپذیرفت که حقیقت و کلام را به گونه‌ای دیگر تفسیر می‌کردند. اما آنها باید می‌فهمیدند که او همان کلام است چرا که کاری که خدا گفته بود به جا خواهد آورد را به جا آورد. و عیسی به آنها گفت: «آنچه در کتب راجع به این ساعت گفته شده را تفتیش کنید؛ و اگر هر آنچه که گفته شد به جا خواهم آورد را به جا نیاورم و صلاحیت‌های لازم را احراز نکردم آن وقت به من ایمان نیاورید.»

آنها گفتند: «ما به موسی ایمان داریم.»

۷۳. او گفت: «اگر به موسی ایمان داشتید، به من هم ایمان می‌آوردید، زیرا موسی از من گفته است.» اما باز هم آنها نمی‌توانستند ببینند. همان خدای آسمان

بر صلیب جان داد، کسی همان حرف‌هایی را به زبان آورد که انبیا گفته بودند ولی با این وجود باز هم قادر به دیدن نبودند، التفات دارید؟

آنها از جنس او نبودند. آنها کلام و بخشی از کلام نبودند؛ اما با این حال بسیار مذهبی بودند. اما کلام نبودند، چرا که کلام قادر است موضع و جایگاه خود را در آن ساعت تشخیص دهد.

۷۴. دقت کنید که نگاشته‌های کتاب مقدسی در هر عصر و دوره به چه زیبایی به یکدیگر مرتبط می‌شوند. حال توجه کنید.

وقتی کلیسا و جهان مذهبی از تن دادن به حکمرانی کلام خدا امتناع کردند، به جایش قاتلی به نام باراباس را پذیرفتند. این رفتار چه اثراتی را مترتب می‌کند؟ با این کار شیطان که خدای روزگار شریر حاضر است در جایگاهی که همواره خواسته است بر افراشته می‌شود.

اینک توجه کنید. از شیطان به عنوان خدای روزگار دیگری یاد نشده است. از او به عنوان خدای دوران موسی یا عصر ایلیا یاد نمی‌شود... این یکی را از دست ندهید! او خدای عصر و روزگار شریر حاضر است که توسط میلیون‌ها و میلیاردها تن مورد پرسش قرار گرفته بی‌آنکه خودشان از این امر خیر داشته باشند. اما اجازه دهید امروز صبح، خود کلام این امر را بر ما مکشوف کند، نگاهی به آن بیندازیم، خودتان متوجه خواهید شد. بگذارید کلام...

۷۵. بگذارید مثل جلسات تمیز ارواح عمل کنیم، مثل آن مواقع که روح القدس در میان کلامش قرار می‌گیرد و ناگهان مردی را مخاطب قرار می‌دهد و می‌گوید: «حق نداری با زن دیگری زندگی کنی. ده سال قبل چه کردی؟ وقتی همراه زن آن مرد دیگر فرار کردی؟» این کار دقیقاً به چه معناست؟ او با این کار عمل آن شخص را فاش می‌کند و در عین حال پرده از نفوذ شیطان که آن مرد را به بند کشیده است برمی‌دارد، عکس این هم می‌تواند رخ دهد یعنی زنی که با شوهر زنی دیگر زندگی می‌کند، یا گناहانی که مرتکب شده‌اند و اعمالی که از آنها سر زده است افشا گردند. پس داستان از چه قرار است؟ افشای شیطان.

۷۶. پزشک‌ها به کمک برخی ابزار می‌کوشند تا دریابند مشکل چیست. اما آنها نمی‌توانند. چیزی برای گفتن وجود ندارد. اما بعد روح القدس حاضر می‌شود و مکشوف می‌کند که این کار شیطان است و او را افشا می‌کند. می‌بینید؟ کلام خدا همین است. روشنایی است که در تاریکی می‌درخشد.

وقتی در یک اتاق صدایی می‌آید، مرموز به نظر می‌رسد؛ مشتکی موجود که مشغول کار هستند و نمی‌دانید چه خبر است. سریع چراغ را روشن می‌کنید... جیرجیرک و سوسک می‌بینید، آنها فرزندان تاریکی هستند و به محض تابش نور پا به فرار می‌گذارند.

«از ما بیرون شدند زیرا از ما نبودند» این چیزی است که کتاب مقدس گفت. ملاحظه می‌کنید؟ آنها را یارای زیستن با نور جهان نیست... زیرا خدای آسمان

نور و روشنايى خود را براى اين روزهاى آخر فرستاد كه بتواند مسير را براى فرزنداناش روشن كند تا در تاريخى گام برندارند و نلغزند و در روشنايى فروزان عيسى مسيح كه ديروز و امروز و تا ابد همان است گام بردارند. آمين!

۷۷. توجه كنيد، از شيطان به عنوان خداى روزگار ديگرى جز روزگار حاضر ياد نشده است. از همان ابتدا آرزويش اين بود كه عين خدا باشد.

بگذاريد اين فراز را بخوانيم. ما زمان لازم را صرف بررسى اين امور مى كنيم. برويم به... من اينجا يادداشت كردم، اشعيا ۱۴. به اشعيا ۱۴ مراجعه كنيم و ببينيم خدا چه گفته است. درباره اعمال شيطان و ادعاى «خدايى» اوست. اشعيا ۱۴:۱۲ و ۱۴. دقت كنيد.

اي لوسيفر پسر صبح چگونه از آسمان افتاده‌اى؟ [در متن عبرى اصطلاح "پسر صبح" به كار رفته اما در ترجمه فارسى موجود چنين است: "اي زهره دختر صبح" - مترجم] اي كه امت‌ها را ذليل مى‌ساختى چگونه به زمين افكنده شده‌اى؟

و تو در دل خود مى‌گفتى: «به آسمان صعود نموده، كرسى خود را بالای ستارگان خدا (كه اکنون پسران خدا هستند) خواهم افراشت، و بر كوه اجتماع در اطراف شمال جلوس خواهم نمود.»

۷۸. آرزوى شيطان اين بود كه مانند خدا پرستش شود. وي دوسوم ستاره‌هاى آسمان را با خود همراه كرد. خود را بالای آنها افراشت، برايشان موعظه كرد و دوسوم آنها را فریفت. توجه داريد؟ بسيار خوب. دقت كنيد اين آرزوى اوست.

و اکنون او آماده است و عروس خود را با دقت تمام انتخاب کرده است. و آن عروس را با دانش خودش آموزش داده است، بنگريد به همه آنچه به كمك قدرت فريب وي رنگ‌آمیزی شده است و همه ساختمان‌هاى بزرگ و فرقه‌هاى بزرگ و رنگ و لعاب‌هاى استوار بر دانش و الهيات و هوش و روشنفكرى و تحصيلات در خدمت فريب كل جهان به كار مى‌روند تا وي بدل به يك «خدا» شود. او اين كار را کرده است. همه اينها در صدر و رأس به ضد مسيح رسیده و ختم خواهد شد، كسى كه هم اينك نيز عنوان «نايب خدا» را از سوى عروس دنيا دوست و علم كيش خود دريافت کرده است همان كه خويشتن را ملبس به جامه پرطمطراق تحصيلات مذهبي و روشنفكرى نموده است. و عروس اين شخص مثل خودش مذهبي خواهد بود، پيرو كيشى كه زاده تفسير شخصى از كلام خداست، همان كار كه شيطان با حوا كرد و همان كار كه پسرش قائل كرد.

حال مى‌گوييد: «پسر شيطان؟»

۷۹. جايى از كتاب مقدس را نشانم دهيد كه از قائل به عنوان پسر آدم ياد شده باشد. كتاب مقدس مى‌گويد كه وي «فرزند آن شريف بود» از ذريت مار. نه، برادر، پرده‌ها برافنده‌اند. چنانكه از مكاشفه پيدااست هرم گشوده شده است.

۸۰. به آنچه انجام خواهد داد و نیز به افکارش دقیق شوید. او تصور می‌کند که خدا در زیبایی دنیوی ساکن است. او این کار را از آسمان آغاز کرد. گناه هرگز در باغ عدن متولد نشد؛ بلکه از آسمان آغاز شد، وقتی لوسیفر پسر صبح سرمست از زیبایی، خود را برافراشت و خواهان قلمرویی زیباتر از میکائیل شد. و او فکر کرده بود که خدا در زیبایی ساکن است.

۸۱. به مورد قائل توجه کنید. او خواهان تقدیم قربانی خونی نبود. او از راه رسید و میوه‌هایی از کشتزارها را بر مذبح خود قرار داد، یعنی چند تا چیز زیبا. او بسیار مذهبی بود و دقیقاً همان کارهایی که هابیل کرد را انجام داد؛ قربانی تقدیم کرد، در مقابل خدا به حالت سجده و پرستش افتاد، در همه چیز مطیع بود اما تنها چیزی که نداشت مکاشفه کلام بود.

و کلام چیزی است که از همان ابتدا نقشه خدا بود. اما خدا هر آنچه حقانیتش را اثبات کرده و بر آن مهر تأیید زده باشد را از راه مکاشفه آشکار می‌کند. نه مذهب، نه مذبح، نه تعلق به کلیسا، نه تقدیم قربانی، نه صادق بودن، هیچ کدام از این موارد تعیین کننده نیست؛ فقط مکاشفه خداست که اهمیت دارد. و خدا چیزی را به وی مکشوف می‌کند که...

چنین نبود که مادر قائل سببی که مار به او تعارف کرد را خورده باشد، بلکه او با شخص شیطان که در کالبد یک حیوان فرورفته بود رابطه جنسی برقرار کرد؛ و این حیوان، خزنده یا هر حیوانی نبود بلکه هوشمندترین و زیرکترین همه آنها بود، حیوانی که شبیه انسان بود و تنها ذریت او می‌توانست با ذریت انسان درآمیزد. اکنون علم می‌کوشد تا آن را بیابد. اما هرگز قادر به یافتن او نخواهند شد چرا که تکاتک استخوانهای بدنش تغییر شکل داده است. اما کتاب مقدس می‌گوید که چنین بوده است.

۸۲. حال بنگرید که آن شخص چه می‌کند. آن شخص «درهیکل خدا جلوس خواهد کرد». یعنی کلیسا «و خود را به عنوان خدا معرفی خواهد کرد». اگر بخواهید می‌توانید در این خصوص مطالبی را در دوم تسالونیکیان آیات ۲، ۳ و ۴ بخوانید، همچنین مکاشفه ۱۳: ۴، ۱۱ و ۱۲، آن دو نبی یعنی یوحنا و پولس درباره این شخص و ویژگی‌هایش در زمانهای آخر توضیحاتی داده‌اند. اکنون خودتان می‌توانید آن را بخوانید. چون من آن آیات را اینجا یادداشت کرده‌ام اما... در وقت صرفه‌جویی می‌کنم.

۸۳. روزگاری که اکنون در آن بسر می‌بریم در کتاب مقدس «روزگار انسان» نامیده شده است. این دوران، دوران خدا نیست. خدای آسمانها، خدای این زمین نیست، کتاب مقدس می‌گوید که نیست. او خدای آسمانهاست. و این ایام و روزگار، ایام خدا نیست.

روز، روز انتخاب است. یا برای امروز زندگی می‌کنید و می‌میرید؛ و یا خدا را انتخاب می‌کنید و زنده می‌مانید. و خدا کلام است و کلام یعنی کلام آشکار شده برای این ساعت و این روز.

۸۴. دقت كنيد، «يوم بشر» اگر مى خواهيد آدرس آيه را يادداشت كنيد برايآن مى خوانم. اول قرن نتيان ۱:۵-۵... عذر مى خواهم اول قرن نتيان ۴:۱-۵ ، پولس از قضاوت بشرى در يوم بشر سخن مى گويد.

۸۵. شايد پيرسيد « به چه سبب آن را روز بشر مى خوانيد؟» چون اين روزى است كه در آن امورى كه ساخته و پرداخته دانش بشرى هستند مورد تجليل قرار مى گيرند.

به كمونيست ها و كارهايشان بنگريد، به اين كه چطور به آن مى بالند، آنها مى كوشند تا انسان را روانه ماه كنند. اما خدا بر آن است انسان را روانه عرش اعلى كند. مى بينيد؟ و حال نگاه كنيد كه چطور ميليون ها، ميلياردها و تريليون ها دلار را خرج تلاشى بيهوده مى كنند. آنجا كه بروند هيچ چيز نخواهند يافت. واقعاً اينها را چه شده است؟

من به ماه اهميت نمى دهم. من مى خواهم با چنان شتابى از ماه عبور كنم كه حتى نتوانم آن را ببينم؛ چون فقط مى خواهم به بالاتر رفتن ادامه دهم. مى خواهم از كهكشان راه شيرى هم عبور كنم، و همچنان پيش بتازم. آرى!

۸۶. و امروز جهان خود را كاملاً درگير دانشى كرده كه از شيطان مى آيد. و يوم انسان، نه به واسطه كلام خدا، بلكه به واسطه دانشى كه در اختيار اوست مورد ستايش قرار مى گيرد.

در اين مطلب تأمل كنيد باشد كه در شما درونى شود. وقتى اين نوار را گوش مى دهيد، به اين نقطه كه رسيديد آن را متوقف كنيد و قدرى بيانديشيد.

اعمال انسان در مرتبه اى بالاتر از كلام خدا و كارهاى آشكارشده اش برافراشته مى شوند؛ همان حكمت شيطان، حكمتى كه شيطان در ابتدا به حوا بخشيد. حال گوش كنيد؛ اين يكي را از دست ندهيد. حكمت شيطان در قالب يك انسان تا مرتبه و جايگاه پرستش برافراشته مى شود، بالاتر از كلام اثبات شده خدا براى آن زمانه. كليساهائى ما با مدارس الهيات و مراكز آموزشى شان به خوبى اين نكته را اثبات مى كنند و فكر مى كنند با آنچه آموخته اند پيش از خود كلام خدا درباره حقيقت مى دانند. و به اين ترتيب دكتر فلانى و بهمانى، يا معلم فلانى و بهمانى، يا پروفيسور فلانى و بهمانى دانش خود را و در واقع اين به اصطلاح حقيقت را (كه از شيطان مى آيد) بلندتر از وعده اثبات شده خدا قرار مى دهند يعنى وعده اى كه پيش روى آنها واضح و مبرهن گشته است. ملاحظه مى كنيد؟

۸۷. بشر با دستاوردهائى علمى خود بر آن است تا ثابت كند كلام خدا بطلان و نادرست است. فقط به همين فكر كنيد. آدم هاى كه با الهيات سر و كار دارند كلام خدا را به مردم توضيح مى دهند و با اين كار بار ديگر آن را بى اثر مى كنند. نظير زمانى كه عيسى در يك دوران فرقه اى بر روى زمين ظهور كرد. عيسى گفت، « شما ريكاران! شما با سنت ها و رسوم خود» كه منظورش تفسير آن اشخاص بود « شما كلام خدا را گرفته ايد و آن را در ميان مردم بى اثر

و بی‌خاصیت کرده‌اید.» و امروز هم همان کار را کرده‌اند. [کلام مدنظر آنها] اثر و خاصیت ندارد.

۸۸. دقت کنید، «آنها» یعنی مردم «وی را بلندتر از هر چه به خدا یا معبود مسمی شود برمی‌افزاند» آیا این چیزی نیست که در دوم تسالونیکیان گفته شده است؟ و اقتدار یک کلیسای فرقه‌ای به گونه‌ای است که مردم به آن فرقه بیش از خدا ایمان دارند و این در حالی است که خدا در کلام است. آنها ایمان به اعتقاداتنامه‌ها را در جایگاهی بالاتر از ایمان به کلام خواهند نشانند، و همین سبب می‌شود که «وی در رتبه‌ای بالاتر از آنچه خدایش می‌خوانند برافراشته شود.» و تنها یک خدای حقیقی وجود دارد و آن خدا در کلام و خود کلام است.

«بالاتر از هر آنچه خدا نامیده و خوانده می‌شود؛ چنین است که شیطان در مقام خدا در کلیسای خدا مستقر می‌شود و در صدد اثبات خدایی خودش برمی‌آید، چون مردم را به پرستش خود واداشته است.» خدا یعنی کلام. اما شیطان خود را بالاتر از کلام و آنچه خدا خوانده و نامیده می‌شود برافراشته است. اما تنها یک خدا وجود دارد. و این خدا کلام است. ملاحظه می‌نمایید؟ «بالاتر از آنچه خدا خوانده و نامیده می‌شود.» خدای این عصر، خود را در مرتبه‌ای بالاتر از کلام حقیقی و تأیید شده خدا برافراشته است. و [درباره کلام] حق مطلب در یوحنا باب ۱ ادا شده است. می‌بینید؟ «بالاتر از تمام آنچه خدا خوانده و نامیده می‌شود، و به این ترتیب او در مقام خدا در هیکل جلوس خواهد کرد.»

بنگرید، او بابت این کار مورد حمد و ستایش قرار می‌گیرد! خدایا بگذار مردم این نیرنگ را ببینند! او بابت این کار ستایش می‌شود و مردمان این روزگار شریر حاضر، با جدیت تمام به او ایمان می‌آورند. حال آیا می‌توانید خدای این روزگار شریر حاضر و خادمانش را ببینید؟

۸۹. اینک بگذارید او را در حالتی که آشکار خواهد شد نظاره کنیم. او می‌گوید که در حال ساختن دنیایی بهتر برای زندگی است، دنیایی که به دانش او متکی است، و مستقل از کلام خدشه‌ناپذیر خداست. و با به هم پیوستن فرقه‌ها، اعتقاداتنامه‌ها، و در روشنفکری و وادی علم و موارد این چنینی جهانی بهتر برای زندگی بشر می‌سازد، و این به معنای نادیده انگاشتن وعده الهی است همان وعده ای که می‌گوید تنها دوره‌ای که دنیا برای زندگی مناسب خواهد بود، دوره سلطنت هزار ساله است. می‌دانید، اگر نظر من را جویا شوید او به جای ساختن دنیایی مناسبتر برای زندگی، دنیایی به وجود می‌آورد که برای گناه کردن مناسبتر است.

۹۰. توجه کنید. آیا این کاری است که او کرد؟ او گناه را قانونی کرده است. او نوشیدن ویسکی و کشیدن سیگار را قانونی و آزاد کرده است. و در کلیساها عضویت زنانی که موهای کوتاه دارند را ممکن و آزاد کرد. لطفاً اگر برایتان مقدور است یک دقیقه مکث کنید.

۹۱. چنین زنی می‌تواند شورت بپوشد، چهره‌اش را بزک کند و کماکان عضو و وابسته به جمعیت مذهبی خویش باقی بماند، امری که کاملاً مغایر با کلام خداست. اما شیطان می‌گوید که مسئله‌ای نیست. آیا دانش او را می‌بینید؟ « اینها چه ربطی به زن دارد؟»، درست مثل خوردن و نخوردن میوه ممنوعه است، حکایت همان است. خدا این کار را نهی کرد اما باز هم این کار را می‌کنند.

۹۲. و [این] بانو به او (شیطان) ایمان دارد، و برای همین دل‌باخته اوست. او از خدا متنفر است. اعمالش این امر را ثابت می‌کند. می‌گوید خدا را دوست دارد، اما دوستدار شیطان است. او خدای مُد را می‌پرستد، خدای امور دنیوی و الهه های هالیوودی را. او دوستدار شیطان است، اما از کلام راستین خدا متنفر است، همان کلام که از تنها خدای واقعی موجود صادر شده است.

و این چیزها در کلیساها آزاد شده‌اند. « مشکلی نیست، زنان می‌توانند این، آن، و آن یکی کار را بکنند» اما از طرف دیگر اجازه ندارند در حضور خدای زنده حاضر شوند مگر آنکه استغفار و ابراز پشیمانی کنند.

۹۳. می‌بینید، او خدای زیبایی دنیوی است، او همین است. و آن خانم دوست دارد زیبا به نظر برسد و شیطان از ابتدا خدای زیبایی است. او این توان را دارد و به یاری دانش و علم مادی‌اش موفق شده است نوعی زیبایی را برای این روزگار شریر حاضر خلق کند. این یک زیبایی ساخته شده است.

۹۴. توجه کنید. این نکته درخور توجه است. در ابتدا شیث و فرزندانش هرگز مسیر علم را برنگزیدند.

اینک برای دقایقی درباره علم سخن خواهیم گفت. من اگر اینها را می‌گویم برای توجیه ناآگاهی خودم نیست؛ اما جاهل واقعی همان آدم‌هایی هستند که منکر کلام خدا هستند. متوجه هستید؟

این موضوع درخور توجه است. خوب آن را ارزیابی کنید. فرزندان شیث هرگز مسیر علم را در پیش نگرفتند. آنها عده‌ای چوپان و کشاورز ساده و در این ردیف بودند.

اما فرزندان قائن این مسیر را در پیش گرفتند. چرا؟ چون از پدرشان شیطان الهام گرفته‌اند. قائن از پدرش شیطان الهام گرفت و این ذریت، الهام بخش نسل‌های در راه شد.

۹۵. به ذریت الهی بنگرید که در خلال دوره‌ها و عصرها پیش می‌رود و بنگرید به این که امروز روانه کجاست. مسیحیان، مسیحیان اصیل، خیلی درگیر علم و پژوهش علمی نیستند. نه. فقط یک دقیقه صبر کنید، حال جزئی تر وارد این مقوله خواهیم شد.

اما قائن این مسیر را بر حسب طبیعت پدرش شیطان در پیش گرفت، همان که پر از دانش، زیبایی و علم دنیوی و مواردی از این قبیل است. فرزندان قائن دانشمند بودند. آنها تحصیلات بالایی داشتند. آنها نوازنده آلات موسیقی بودند؛

یک جور الویس پرسلی بودند، شبیه آنها که با اجازه مدیریت مدرسه هر شبانه صبح اینجا برنامه می‌گذارند. کسانی که شهرها ساختند و زنان را برای شهوات شخصی، زیبا می‌کردند، مثل شیطان که آرایش و بزک را به زنان داد، همچنین چیدن و کوتاه کردن موهای زنان را به فهرست کارهایشان می‌توان افزود. و شهوات کثیف و شخصی شان آنها را به این اعمال وامی‌داشت. این حرف خیلی رک و راست است اما من بلد نیستم طور دیگری این مطلب را بیان کنم.

۹۶. حال می‌دانیم که انجیل شیطان، انجیل علم و ترقی است. او در عدن این انجیل را موعظه کرد؛ نه انجیل خدا را؛ شیطان علم و ترقی را موعظه کرد. علم و ترقی، انجیل شیطان است. بنگرید که او امروز ما را با این علم به کجا رسانده است. ملاحظه می‌کنید؟

۹۷. توجه کنید، او در عدن آن را خطاب به چه کسی موعظه کرد؟ خطاب به عروس آدم. و او نیز فریفته وی شد. شیطان او را با زیر سؤال بردن یکی از گفته‌های خدا فریفت. بگذارید ببینیم او احتمالاً چه گفت. آنچه وی گفت می‌تواند از این قرار باشد: «مردن در این کلیسای مقدس اصلاً با علم جور در نمی‌آید.» یا «با سواد و دانا بودن تو در گرو نپذیرفتن مسائل و مفاهیم غیرعقلانی مثل مرگ است. برایم اهمیت ندارد که خدا آن را گفته است یا نه، این موضوع غیرعقلانی است.»

۹۸. و حال به حرف‌های امروز او توجه کنید: «خدا خدایی نیکو است. شما در کلیسای مقدس وی هستید بنابراین نمی‌توانید بمیرید.» اما خدا گفته است که می‌توانید. و این ختم کلام است. آیا شیطان را امروز می‌بینید؟ «فقط عضو کلیسا باش. این که چه می‌کنی مطرح نیست، این، آن، یا آن یکی هم همین‌طور. فقط به کلیسا بیا و یک عضو خوب باش. این حرف‌ها درباره کوتاه کردن موهایتان بی اساس است. پوشیدن شورت، آرایش کردن و رقصیدن و نوشیدن آب جو هر چند وقت یک بار به شرطی که در آن افراط نکنید اشکال ندارد. بچه‌ها صادقانه دوست دارم اینها را امتحان کنید تا معلوم شود که آیا خوششان آمده است یا نه.» آری، خدای این روزگار و این جهان یعنی این روزگار شریر حاضر آنجاست.

۹۹. «خدا خدایی رئوف و نیکوست.» از شنیدن مکرر این جمله خسته شده‌ام. اما خدا در عین حال خدایی عادل است. او یک پدر بزرگ ضعیف نیست که بشود برایش تعیین تکلیف کرد و از دید وی نوه هایش معصوم بنمایند. او خدای تقدس و عدالت است. او این موضوع را در باغ عدن و در برابر نخستین فرزندان به اثبات رساند. عبور کردن از این خط، که یکی از فرموده‌هایش باشد، همان و مردن هم همان. و این اصل امروز نیز اعتبار و کاربرد دارد.

۱۰۰. دقت کنید، شیطان انجیلی علم کیش، اجتماعی، نخبه پسند و مترقی را به حوا موعظه کرد، و او که عروس آدم بود آن را پذیرفت. و (شیطان) موفق

شده آن به اصطلاح عروس آدم ثانى را با همين نوع استدلالها پر کند. اين درست است.

۱۰۱. «اين از خدا نيست؛ خدا مهربانتر از آن است که چنين کارى بکند. براى چه [اين کار را بکند]، آن هم وقتى به کليسا مى‌رويد.» «کافى است ايمان داشته باشيد.» اما شيطان هم ايمان دارد؛ نه آنکه ادای ايمان داشتن را درآورد بلکه او واقعاً ايمان دارد اما او نجات نيافته است. «اگر ايمان داشته باشيد.»

۱۰۲. او همان حرفهائى که به عروس نخست گفته است را به عروس دوم يا در واقع عروس آدم دوم مى‌گويد، حرفهائى مثل: «شفای الهى؛ وجود ندارد. ما مى‌توانيم آن را ثابت کنيم. حتى يک مورد ثابت شده وجود ندارد.» «و اين تعميد به نام عيسى مسيح ديگر چه صيغه‌اى است، مگر متوجه نيستى که من برکليسا رياست مى‌کنم.» «ما در نيقيه روم اين را تثبيت کرديم»، وقتى آن سه روح ناپاک از دهان اژدها خارج شدند و غيره. «ما به وجود خدايان ثلاثه ايمان داريم.» محض رضای خدا! کفرآمیزتر از اين نمى‌شود. هرگز نکوشيد با چنين چيزى در پيشگاه خدا و در حضور او بايستيد. «اصلاً فرق نمى‌کند اگر به عناوين پدر، پسر و روح القدس تعميد گرفته باشيد.» چه فرقى مى‌کند؟

۱۰۳. فرقى خيلى زياد است، تا جايى که پولس به گروهى از پيروان يحيى تعميد دهنده دستور داد قبل از آنکه روح القدس بر آنها نازل شود مجدداً به نام عيسى مسيح تعميد گيرند. حتى سبب شد که اين رسول بانگ برآورده و بگويد: «حتى اگر فرشته‌اى از آسمان نازل شود و چيزى جز اين تعليم داد، اناتىما باد.» آرى، فرق مى‌کند. خداى من!

۱۰۴. «چيزى به نام تعميد روح القدس وجود ندارد. اين مختص دوره رسولان بود که سپرى شده است. و چيزى که بشود عنوان نبى بر آن اطلاق کرد؟ حتى خبرش نرسيده است. معجزات؟ کاملاً غيرعلمى هستند. ملاکى؟ اين مربوط به دوره‌اى ديگر مى‌شود. يوحنا ۱۴: ۱۲؟ حقيقت اين است که منظور عيسى چيز ديگرى بود. لوقا ۱۷: ۳۰؟ اين فقط يک افسانه بود. مى‌بينيد، تفسيرى که از آن شد اشتباه است؛ در اصل اين‌طورى نبود» و از اين قبيل سخنان بى اساس!

آن هم وقتى خداى قادرمطلق فرود آمد و در ميان ما حضور يافت و اينها را ثابت کرد. وقتى او مى‌گويد: «عيسى مسيح ديروز، امروز و تا ابد همان است»، اين ادعا را نيز ثابت مى‌کند. اهميت نمى‌دهم که چه کسى ادعا کند که چنين نيست؛ خدا شارح کلامش است. و او گفته است که در ايام آخر چنين کارهائى خواهد کرد. «درشامگاهان روشنابى خواهد بود» و روشنابى هست تا آشکارکننده پسر خدا باشد.

۱۰۵. خورشيدى که از خاور بر مى‌آيد همان است که در باختر افول مى‌کند. نبى گفته است: «روزي خواهد بود که نه روز مى‌توان خواندش و نه شب» روزى کم نور تاريک با ابرهائى که خورشيد را پوشانده‌اند. اما مى‌گويد: «در

پسینگاه و نزدیک شامگاه روشنایی دوباره ظاهر خواهد شد.» و این همان پسر است! او که الف و یا است. همان پسر که در مشرق زمین ظهور کرد مطابق پیشگویی‌ها باید دیگر بار و در ایام آخر و پیش از آن که روز به انتها برسد در غرب ظهور کند. من نمی‌دانم آنها این را چگونه تفسیر می‌کنند؛ او خود مفسر کلامش است. او گفته‌های آن کلام را به اثبات می‌رساند. اکنون شامگاهان است.

۱۰۶. غم‌انگیز است، اما باز هم عروس اغوا خواهد شد. عروس مسیح اغوا شده و به جای ایمان به کلام ناب و تأیید شده خدا به دانش ذهنی برخی از واعظان الهیات خوانده ایمان آورده است.

۱۰۷. حال شما واعظان سراسر این خطه و هر جای دیگر چه بسا با این موافق نباشید. نمی‌خواهم شما را برنجانم. من فقط... من دارم با جماعت خودم سخن می‌گویم. من تنها سعی دارم... اگر دوست دارید بنشینید بدون شک خوشحال می‌شوم که این را بشنوید. و با این حساب به این کلام گوش بسپارید. ملاحظه می‌کنید؟ من فقط درباره آنچه دیده‌اند به آنها می‌گویم، همان چیزها را نشانشان می‌دهم؛ این که خدا چگونه آنها را ثابت می‌کند، این درست است. التفات دارید؟

اینک این همان ساعت است. نیازی نیست کسی آن را تفسیر کند. دانش دنیوی شما هیچ ربطی به این ماجرا ندارد... چه بسا مدرک تحصیلی شما لیسانس الهیات، دکترای الهیات، فوق‌دیپلم یا هر چیز دیگری باشد؛ اما این موضوع کوچکترین اهمیتی ندارد. خدا خود، کلامش را تفسیر می‌کند. او آن وعده را داده است و اینک عینیت یافته است.

۱۰۸. اما دانشی که مراکز الهیات می‌سازند و موعظه‌های فرقه‌گرایانه شریایی را سبب شده که «کل جهان با حیرت نظاره‌گر آن وحش که از زخمی مرگ بار شفا یافته بود باشد»، مسیری از شرک کهن تا پاپ‌گرایی. آیا می‌بینید که این عروس به کجا می‌رود؟ او آن را پذیرفته است. او آن معرفتی که روایت شیطان است را پذیرفته است.

۱۰۹. حال توجه کنید، واقعیت این است که هر دو عروس، دانش و معرفت شیطان را در مقابل کلام خدا پذیرفتند. عروس آدم معرفت شیطان را به جای کلام خدا پذیرفت و دریغا که در این عصر شریر روشنفکرگرا، عروس مسیح نیز حاضر است معرفت شیطان را به جای کلام خدا بپذیرد.

به این نکته دقت کنید. حوا درباره یک مسئله طبیعی آن حرف‌ها را پذیرفت و نوع بشر را بالکل به ورطه مرگ فروبرد. او عروس طبیعی بود. آدم هم یک انسان طبیعی بر روی این زمین بود! عروس او پیش از آن که به یکدیگر ببیوندند و زنش شود کل نوع بشر را به ورطه مرگ کشاند. این مسئله چه علمی باشد و چه نه، همه ما به یک شکل می‌میریم، چون خدا چنین گفته.

شما چه در عدن مقدس باشید، چه در کلیسای مقدس، یا در فرقه‌ای مقدس یا هر جای دیگری که می‌خواهید باشید، روزی که یکی از کلمه‌های خدا را به عنوان

حقيقت نپذيريد خواهيد مرد، آن هم وقتى كه موضوع براى شما تاثير و ثابت شده باشد. اين همان روزى است كه خود را از خدا جدا مى سازيد. [نپذيرفتن] نه يك جمله بلكه تنها يك كلمه هم كافى است. « هر كه كلمه اى بدان بيفزايد يا از آن بگاهد، همان دم مى ميريد.

۱۱۰. توجه كنيد، عروس آدم سبب مرگ طبيعى و جسمانى كل نوع بشر شد.

و عروس آدم ثانى، آن عروس كه قول و قرارى با مسيح دارد، كل كليسا را به ورطه مرگ فرقه اى فروبرده است تا نشان وحش را به واسطه علم و افكار برآمده از فرقه هاى بزرگ بر روى خود حك شده ببيند. « ما باپتيست هستيم، ما پرزبىترى هستيم، ما پنطيكاستى هستيم » و اين قبيل چيزها. « ما/اين را داريم، و داراى هاى ما بيشتر است، ما سرشناس و مورد توجه دولت هستيم. ما در سراسر جهان هستيم » و چنين چيزهاى. « و بهترين ها، شهردار شهر هم نزد ما آمد. حتى رئيس جمهور هم آمد تا همراه ما در جلسه شركت كند، و ما به اين، آن، يا آن يكي رسيده ايم. » كل جهان در يك مرگ روحانى و فرقه اى فرورفته است؛ كل كليسا نيز. اين كليسا مرده است!

مى گوييد: « شما منطقه وسيعى را پوشش مى دهيد. »

۱۱۱. عيسى گفت: « شرايط هنگام بازگشت پسر انسان به مانند ايام نوح خواهد بود كه هشت جان نجات يافتند. » يا « مثل روزگار لوط كه سه نفر از سدوم خارج شدند. » حال يادتان باشد كه گروهى هست كه بيشتر خارج شده است. « اما، درست مثل آن ايام، همان موقع است كه پسر انسان بايد ظهور كند. » بنگريد كه در کدام روز و دوران و در كجا بسر مى بريم!

۱۱۲. اينك كليسا كل جهان را مجبور به پذيرش مرجعيت علمى برنامه آموزشى كرده است كه از جانب شيطان و تحت عنوان كليسا به وى داده شده است، رهبرى و مرجعيت برنامه اى آموزشى و علمى. من دارم تصويرى از خداى اين جهان را براى شما ترسيم مى كنم.

وقتي كليسا، مانند حوا، تماميت كلام خدا را در چنگ خود داشت مى توانست آن را حفظ كند، اما او با آن چه كرد؟ عوض آن كه صبر كند و منتظر تعميل روح القدس بماند، اجازه داد تا علم به او ثابت كند كه روح القدس تنها مختص شاگردان بوده است.

عوض آنكه بگذارد شفاى الهى جارى شود و پيش برود تا اكنون به نقطه اى برسد كه مردگان زنده شوند و معجزات بزرگ رخ دهند؛ به شيطان اجازه داد تا تحت رهبرى مريدان مذهبى اش كلام خدا را برداشته و [آنها] تلاش كنند اين حرف و فكر را جا بيندازند كه همه اينها مربوط به عصرى ديگر مى شود. و كليسا اين حرف را پذيرفته است.

۱۱۳. كتاب مقدس گفت: « آنچه كردم شما نيز خواهيد كرد. » عيسى گفت: « در تمام عالم برويد و جميع خلايق را به انجيل موعظه كنيد. » ما نيز كماكن در

زمره مخلوقات هستیم.» و این آیات همراه ایمانداران خواهد بود.» و کلیسا اکنون جزء به جزء این سخن را انکار می‌کند.

۱۱۴. کلیسا هر آنچه مافوق‌الطبیعه است را انکار می‌کند و به جای آن، حقیقت را با درک سلیقه ای خود از کتاب مقدس، برمی‌گیرد. جایی که کشیش‌ها، پدران مقدس و به اصطلاح اسقف‌ها، سراسقف‌ها، شیخ‌های محلی، ناظران کل و از این سنخ آدم‌ها تفسیر شخصی خود را بر روی کلام قرار داده‌اند. و خدا نیز آنها را آنجا به حال خود رها کرده است و اینک دقیقاً مرده‌اند.

تنها چیزی که در روزهای آخر باقی مانده دسته‌ای پنتیکاستی کوچک است همراه با مثنی موسیقی که با سر و صدای بسیار و فریادهای هرچه بلندتر اجرا می‌شود، کسانی که به این سو و آن سو و بالا و پایین می‌دوند، به زبانها سخن می‌گویند و جیغ و فریاد می‌کشند و «صورت دینداری دارند لیکن کلام را انکار می‌کنند.» درباره تعمد به نام عیسی مسیح چیزی به آنها بگویید؛ به ریش شما خواهند خندید. اما در کل، خدا کار خودش را مثل همیشه انجام می‌دهد تا ثابت کند کلامش همان است.

۱۱۵. دقت کنید، درختی که شیطان حوا را به خوردن از آن واداشت درخت «معرفت نیک و بد» نام داشت. این درخت یک درخت تلفیقی و ترکیبی بود.

حال به روزگاری که اکنون در آن به سر می‌بریم بنگرید، زمانی که قرار است عروسی فراخوانده و جمع شود، شاهد کلیسایی هستیم که ادعای انجام اعمال نیک دارد حال آنکه در اصل این اعمال، اعمال شری هستند که در نتیجه انکار کلام خدا صورت گرفته‌اند. یک درخت دوگانه و ترکیبی. شاید بگویید، «آنها مجموعه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی بزرگی دارند. آنها به این کمک می‌کنند و مورد پشتیبانی و تأیید صلیب سرخ هستند. همه آن مدارسی که... به اینجا بنگرید!»

اما کافی است فقط یک کلمه را انکار کنید، این همه آن چیزی است که برای مردن نیاز دارید، فرق نمی‌کند که این کار تا چه حد خوب و روشنفکرانه به نظر می‌رسد. عیسی گفت: « اندک خمیرمایه تمام خمیر را مخمر می‌سازد.» ذره‌ای خمیرمایه کل خمیر را ور می‌آورد. یک کلمه خدا که تحریف شود کل تصویر ساخته شده را خراب می‌کند. چه می‌شود اگر بازوهایم در محلی قرار گیرند که پاهایم باید آنجا باشند؟ ملاحظه می‌کنید؟ چه می‌شود اگر گوشم پایین‌تر و در محلی قرار گیرد که دستانم باید آنجا باشند؟ « اندک خمیرمایه تمام خمیر را مخمر می‌سازد.»

شاید بگویید: « از کجا می‌دانید که آن حقیقت است؟» خداست که حقانیت آن را ثابت می‌کند. او بر آن مهر تأیید می‌زند. او در کلامش آن را گفته است و سپس آن را ثابت می‌کند. چنین است که می‌فهمیم حقیقت است یا نه.

فقط يك كلمه را انكار كنيد همين امر براى مردن كفايت مى‌كند. در اين عصر شرير حاضر اين كار مرگ روحانى به بار مى‌آورد همان طور كه [همين كار] براى كل نوع بشر مرگ فزيكى و طبيعى به بار آورد.

۱۱۶. بنگريد به اين كه شيطان چگونه آن روزگار علم كيش نوح را بازآورده است يعنى وقتى مردم بر عقل و فهم خود تكيه مى‌كردند! كتاب مقدس در امثال به ما مى‌گويد: «بر عقل خود تكيه مكن» و «بگذاريد هر سخن انسان دروغ و هر سخن خدا راست باشد.» اما شيطان به واسطه دانشى كه دارد از همان ابتدا در باغ عدن كارى كرد تا مردم بر عقل خود تكيه كنند. و مى‌دانيد او به واسطه [لوازم آرايش] ماكس فاكاتور كه آن زمان در اختيار داشت زنان را به حدى زيبا و گيرا كرد كه حتى پسران انسان ... در واقع پسران خدا به گناه افتاده و آن زنان را به همسرى گرفتند. بس كه زن‌ها زيبا و جذاب بودند.

۱۱۷. اكنون هر زن عادى كه امروز از خيابان مى‌گذرد را در نظر بگيريد. بسيارى از شما چيزهايى خوانده‌ايد و مجلاتى را ورق زده‌ايد؛ عده‌اى هم هيچ چيز درباره‌اش نشنيده‌اند چون مربوط به خيلى وقت قبل است. چند نفر نام پرل اوبراين را شنیده‌اند؟ البته، او زيباترين زن جهان محسوب مى‌شد. اما چطور است كه امروز هيچ بچه مدرسه‌اى را نمى‌بينيد كه دو برابر از او زيباتر نباشد؟ چرا چنين است؟ زيبايى زنان در زمره مواردى است كه در زمانهاى آخر آشكار مى‌شود.

آنها موهايشان را کوتاه کرده‌اند. لباس‌هاى دختران كوچك برتن خود كرده‌اند. شورت مى‌پوشند و بيكىنى و يا هر نام ديگرى كه بر آن گذاشته ايد. برك مى‌كنند و لبان خود را سرخ مى‌كنند و اين قبيل كارها تا چيزى بشوند كه نيستند. مى‌بينيد؟ و اين امكان از طريق علم و دانش برايشان به وجود آمده است. آيا خبر داريد كه در آمريكا هزينه اى كه براى مصرف لوازم آرايشى پرداخت مى‌شود معادل دو يا سه برابر پولى است كه خرج اقلام خوراكى، كه در زمره ضروريات زندگى است، مى‌شود؟ اين موضوع درباره لوازم آرايشى ثابت شده است.

۱۱۸. توجه كنيد، [گفته شده كه] «پسران خدا دختران انسان را رويت كردند» و نه دختران خدا را، «و دختران آنها كه زيبا و نيكومنظر بودند» و همين نيز سبب شد كه پسران خدا اغوا شده و «آنها را به همسرى بگيرند» و به دنبال آن دوره‌اى از فحشا شكل گرفت، درست مثل امروز؛ نظير آنچه در سدوم رخ داد و نظير آنچه طبق پيشگوئى‌ها بايد امروز واقع شود.

دوره‌اى كه زنان و مردان آن همسران خود را عوض مى‌كنند. اگر علاقه خود را به اين يكى زن از دست دهد راهى شهر رنوى ايالت نوادا مى‌شود و آنجا ازدواج مى‌كند؛ يا اين كه آن يكى را طلاق مى‌دهد و پانزده دقيقه بعد مجدداً ازدواج مى‌كند. وضعيت چنين است كه مردان در برابر جذبه چنين زنانى كم

می آورند. همه اینها از کجا ناشی می‌شود؟ از شیطان! می‌دانید که شیطان هم می‌تواند در زیبایی ساکن باشد؟ دقت کنید.

۱۱۹. توجه کنید، آن گناه هرگز بر آنها بخشوده نشد. آن عصر و روزگار زیبا و علم کیش همان روزگار شریری بود که خدا آن را از روی جهان محو کرد؛ آن روزگار علم کیش زیبا. عیسی گفت که شرایط درست پیش از بازگشت پسر انسان همان گونه خواهد بود. آیا این درست است؟ توجه کنید، عیسی گفت که «چنان که در روزگاران نوح بوده شرایط به همان سان خواهد شد»، وقتی در فکر ازدواج و نکاح باشند... حال دقت کنید، «پسران خدا دختران نیکومنظر انسان را به همسری گرفتند» و خدا هرگز آنها را بابت این کار نبخشید.

۱۲۰. عین تعالیمی که بلعام داد و سبب شد زنان زیبا، روشن فکر و علم کیش موابی... با چشمان پرناز و عشوه و انواع آرایش، پودر و عطرهای خوش رایحه پسران خدا را اغوا کنند؛ تا به این ترتیب آنها از زن‌های خود که سخت کار می‌کردند و دستانشان پینه بسته بود و آرایش بلد نبودند، دل بکنند. آنها را اغوا کرده تا بگویند: «بیایید با یکدیگر ازدواج کنیم زیرا همگی ما از یک قوم هستیم.» اما این یک دروغ بود! یک دروغ بود، یک طرح ریزی شیطانی که هدف از آن وصلت پسران خدا با دختران انسان بود.

این دروغ شیطان بود، چرا که بلعام آن نبی کاذب کوشید علیه موسی که سعی در حفظ یکپارچگی قومش داشت نبوت کند؛ تا جایی که گفت: «ما به همان خدا ایمان داریم. همان قربانی‌ها را تقدیم می‌کنیم. قربانی‌های ذبح شده ما همان است. همه کارهایمان را مثل هم می‌کنیم.»

«چنان [این دو روح] شبیه هم خواهند بود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را گمراه کردندی.» دقت دارید؟ [فضای خالی بر روی نوار- گروه تألیف] از میان او بیرون آید! شما را با او کاری نیست!

۱۲۱. توجه کنید، این گونه نیست که خدا کلام خود را برای نسل شریر قائلن تفسیر کند. نه. خدا کلامش را برای آنها تفسیر نخواهد کرد. دقت کنید... [فضای خالی بر روی نوار- گروه تألیف]

آیا خداست که با دانش خود جهانی زیبا و علم کیش و گناه‌لود خلق می‌کند تا سپس آن را نابود کند؟ آیا خدا جهانی زیبا می‌آفریند تا...؛ در این باب تأمل کنید که آیا خداست که دخترانش را چنان زیبا می‌کند و لباس‌های سکسی بر نتشان می‌پوشاند تا پسرانش گرفتار هوس شده و مرتکب زنا گردند؟ چه؟ خدا چنین کاری می‌کند؟

این جماعت عربان و بی لباس لائودکیه که خدای این جهان را از طریق اخلاقیات، آموزش، زرنگی و زیبایی مورد پرستش قرار می‌دهند! کتاب مقدس می‌گوید: «از میان او بیرون آید»، «مبادا در گناهانش شریک شده، در بلاهایش شریک شوید.» خدا روزی از آسمان تگرگ‌هایی بر آنجا نازل خواهد کرد که

هر دانه آن در حد صد پوند خواهد بود، و به اين شكل آنجا را سنگسار خواهد كرد و اين كار را مطابق آنچه كلامش راجع به احكامش گفته انجام خواهد داد. بسيار خوب، اگر خدا چنين كارى بكند و كلامش را براى چنين آدمهاى مكشوف كند، نقشه خود را به شكست خواهد كشاند. خدا بى خرد نيست. او منشاء حكمت كامل است.

با اين حساب آيا مى بينيد همه اين امور از كجا ناشى مى شوند؟ شيطان آن امور را وارد کرده و كماكان شيطان دست اندركار همين امور است. كليسا هم آن را پذيرفته است.

۱۲۲. بانوان، من همه تلاشم را مى كنم تا كلام خدا را به شما نشان دهم. كتاب مقدس مى گويد: «اگر زن موى خود را کوتاه كند سر خود را رسوا مى سازد»، يعنى شوهرش را. شوهر سر است و بالاتر از او خداست، بنا بر اين او با اين كار به شوهر خود بى احترامى مى كند.

۱۲۳. و همين هاست كه نشان مى دهد چه كسى سر و در رأس نظام كليساى جهانى قرار دارد. اينها نشان مى دهد كه چه كسى سر آن است. آن شخص شيطان است كه در قالب يك فوق انسان و شخصيتى برخوردار از دانشى خارق العاده و برتر جلوه مى كند. او بيش از همه آنها مى داند. مهم نيست كتاب مقدس چه مى گويد، او تفسير خود را از حقيقت دارد، تفسيرى مناسب براى اين روزگار حاضر شريف.

۱۲۴. دقت كنيد، برنامه او ايجاد كليساى مافوق فرقه اى است، چيزى شبیه شورائى جهانى كليساها، يك نوع ابر فرقه كه همه جا او، يعنى وحش را، تحت عنوان مسيحيت يکپارچه شده و متحد بپرستند. آيا مايليد همين را در كتاب مقدس بخوانيد؟ مكاشفه ۶: ۱۳ و ۸. اين نوعى برج بابل مدرن است.

۱۲۵. يادتان نيست كه نمرود، آن آدم رباكار، چگونه برج بزرگ را ساخت و شهرهاى ديگر را به پرداخت خراج براى اين كار مجبور كرد؟ سخنان بى ربط مطرح مى شود به اصطلاح با پديده بابل سر و كار داريم. فقط در گذر زمان نامش تغيير کرده، اکنون رُم همان بابل است. كل جهان به سوى بابل مى شتابد و اين شورائى جهانى كليساهاست كه همه را به اين مقصد هدايت مى كند و كارى خواهد كرد تا تكاتك آنها در برابرش سر تعظيم فرود آورند. و به اين ترتيب بى آنكه بدانيد چه مى كنيد نشان وحش بر شما قرار مى گيرد. زيرا...

اما برگزيدگان از كلام پيروي کرده و از ميان او بيرون خواهند آمد.

۱۲۶. چقدر فرقه با كلام خدا تعارض دارد! او هرگز فرقه اى نداشت، در فرقه اى نبود و با فرقه اى كار نكرد. دوست دارم مورخى يك مورد نشانم دهد كه يك نبى از دل يك تشكلى كليساى برآمده باشد. به من نشان دهيد كجا خدا كليساى را پس از آن كه حالت سازمانى و تشكيلاتى گرفت، برکت داده است. [چنين كليساى] فراموش شده و مرده است، همراه با همه آن حكمت و عقلاينتى

که از شیطان و رهبران‌ش گرفته است، عواملی که مانع از پذیرفتن کلام خدا حین رشد برای رسیدن به قامت کامل مسیح گردید. و اینک [این سیر رشد] در مرحله پدیدار شدن سر قرار دارد. و چه متعارض است!

شما ای فرزندان روشنائی شامگاهان، خود را از این حوای بی‌ایمان جدا کنید!

۱۲۷. شیطان که خدای این روزگار و عصر است به یاری دانش خود مردم را به خوردن از درخت تلفیقی و دوگانه معرفت نیک و بد سوق خواهد داد. توجه کنید، شیطان به یاری دانش خود سبب خواهد شد تا مردم از درخت معرفت نیک و بد بخورند. او می‌گوید که در حال تأسیس تمدن مسیحی بزرگتری است، مدعی است به یاری معرفت نیک و بدی که در اختیار دارد تمدن مسیحی عظیم تری را پدید می‌آورد.

۱۲۸. اما باکره کوچک مسیح، گله و عروس اهمیتی به دانش و معرفت او نمی‌دهند و خود را مستقل از تمام آن تشکیلات محفوظ خواهد داشت... حال بگذارید لحظاتی هم به او بپردازیم. او به انتظار سرور خویش و ماه عسل هزار ساله با آن داماد یعنی همان کلام نشسته است، چون خودش عروس آن کلام است.

۱۲۹. شناخت و این تمدن کنونی وجه اشتراکی با مسیحیت حقیقی ندارد. تمدن حاضر و مسیحیت راستین وجه اشتراکی با هم ندارند.

تمدن از شناخت و دانش حاصل می‌شود. ما این را می‌دانیم. و شناخت از عدن می‌آید، آنچه شیطان درباغ عدن موعظه کرد این مدعا را ثابت می‌کند. و شناخت سبب مرگ می‌شود. درست است؟ در باغ عدن چه چیز سبب مرگ شد؟ شناخت. این نمی‌تواند از خدا باشد، پس از شیطان است. چه جالب! در چنین شرایطی شناخت، علم، شیوه تربیت از جمله بزرگترین موانعی هستند که در مقابل خدا قرار گرفته‌اند. اینها از شیطان است.

حال مطمئنم و می‌دانم که در این خصوص تعدادی نامه [اعتراضی] دریافت خواهم کرد. منتظر دریافتشان هستم.

۱۳۰. نگاه کنید اکنون این فرهنگ، ما را به کجا رسانده است. دقت می‌کنید؟ ببینید چه کرده است. کجا هستیم؟ به واسطه فهم و دانش خودمان به این امور اتکا کرده‌ایم.

می‌گویید: «درباره خدا چه می‌گویی؟ آیا معتقدی که او ناآگاهی و جهالت است؟» خیر.

خدا تمدنی را بر روی زمین ایجاد خواهد کرد که خاص خود اوست، و این مهم را وقتی انجام خواهد داد که زمین را کاملاً در اختیار بگیرد. این جهان متعلق به شیطان است؛ او اکنون خدای این شناخت علمی و دنیوی است. اما خدا تمدن مختص خود را ایجاد خواهد کرد. تمدنی که شباهتی به این تمدن نخواهد داشت. فقط این را به خاطر بسپارید که جنس آن تمدن با آنچه امروز برقرار است

یکسان نخواهد بود. نه، نه. آن تمدن در تطابق و همخوانی با کلام و اراده خدا خواهد بود. چرا که خدای این روزگار شریربه همراه سلطنتش نابود خواهد شد.

۱۳۱. این روزگار مدرن دانش محور نمی‌تواند رهبری بهتر از همان کس که اینک زمامدار امور است به خود ببیند، یعنی شیطان که تحریف کننده کلام خداست و در همان باغ عدن آغازگر این روند شد. یک شخص مذهبی که بر عقل خود تکیه می‌کند.

همان‌طور که پیش تر گفتیم و در امثال ۵:۳ نیز ذکر شده است: « نباید بر عقل خود تکیه کنیم.»

آنها باید خدایی داشته باشند، چون بشر هستند. و او هم آنان را به چیزی که خود می‌خواهند بدل می‌کند. آنها به عنوان یک بشر و انسان... وقتی به اینجا آمدیم سرخ پوست‌ها را دیدیم که بت‌ها و خورشید و این جور چیزها را می‌پرستیدند. به اقتضای طبیعت انسانی آنها باید خدایی داشته باشند. بنابراین این روزگار عظیم روشنفکرگرا نیز باید خدایی داشته باشد و برای همین است که بدل به... خدای این جهان شده است. دانش، فرقه، علم... « صورت دینداری دارند لیکن قوت آن را انکار می‌نمایند.»

۱۳۲. توجه کنید، خدای آنان، آنها را به هر چه خود بخواهند بدل می‌کند. اگر جویای شهوت تن باشند همان را به آنها خواهد داد. « اگر خواهان بیکینی پوشیدن باشند، می‌گذارد این کار را بکنند. می‌بینید؟ اگر بخواهند چنین و چنان کنند، دستشان را باز می‌گذارد. ضرری در این کار نیست، چون آنها به کلیسا می‌روند. مادرشان متدیست، باپتیست، پنطیکاستی یا پرزبیتری بوده. فقط آنها را تنها بگذارید.»

و این رسم خدای این روزگار است؛ او زیرک، هوشمند و علم‌آشناست. او به ایمان نیازی ندارد. نیازی به اثبات چیزی ندارد. مسائل قبلاً توسط دانش اثبات شده است. «خوب ما بزرگترین کلیسای این شهر هستیم»، و از دانش خود می‌گویند. « شبان ما دکترای الهیات و دکترای تخصصی دارد.» ملاحظه می‌نمایید؟ نیاز به ایمان نیست، بر دانش تکیه می‌کنند. مادامی که از طریق فرقه‌ها و اعتقادات نام‌های خودشان برای پرستش او بیابند او هم آنها را راحت می‌گذارد تا آنگونه که خود می‌خواهند زندگی کنند. چنانکه پیداست وضعیت بسیار شرم آور است.

کلام خدا را به استهزا می‌گیرند و مطالبی مغایر با آن بیان می‌کنند و می‌کوشند تا از راه علم ثابت کنند که کلام خدا حقیقت نیست. در چه دورانی روزگار می‌گذرانیم! آیا خدای این روزگار را می‌بینید؟

۱۳۳. دقت کنید، خدا منتظر آن است تا گناهان این اموریان مدرن تمام شود. نگران نباشید چرا که او در آن زمان موسی خود را آماده خواهد کرد. در یکی از این روزها خروج به سوی سرزمین موعود عینیت خواهد یافت. موسایی

برخاسته و دعوت به خروج خواهد کرد و «ایمان پسران را به سوی پدران خواهد برگرداند.» و این اتفاق یکی از همین روزها رخ خواهد داد.

شاید بگویید که: «خوب بنگر که چگونه در حال پیشرفت هستیم.»

مسئلاً گناه اموری‌ها هنوز تمام نشده است. اما این اتفاق یکی از این روزها رخ خواهد داد. بگذارید خودشان را نابود کنند.

۱۳۴. تمدن، دانش؛ کلام خدا را تحریف می‌کنند تا با ذائقه و مزاجشان سازگار شود. همه فرقه‌ها این کار را می‌کنند. آنگاه شیطان انجیل دانش محور خود را در کلیسای خویش موعظه می‌کند.

۱۳۵. در عهد جدید تنها از دو رده و گونه انسان سخن به میان می‌آید: «فرزندان خدا و فرزندان شیطان» آیا این را می‌دانستید؟ آیا مایلید نگاشته‌ای کتاب مقدسی را در این رابطه یادداشت کنید؟ آن در اول یوحنا ۳: ۱۰، نگاشته شده است، اگر البته خواهید پیگیر شوید. دارم از روی آنچه اینجا نوشته‌ام می‌خوانم. بسیار خوب، بسیار خوب.

۱۳۶. در افسسیان ۲: ۲ از آنها به عنوان «فرزندان معصیت» یاد شده است. چنانکه حوا نسبت به کلام خدا معصیت ورزید. فرزندان اطاعت و فرزندان معصیت وجه اشتراکی با یکدیگر ندارند.

و چگونه ممکن است که عروس مسیح با فرقه‌ای شراکت برقرار کند وقتی یکی مطیع است و دیگری معصیت ورز؟ چگونه چنین چیزی ممکن است وقتی یکی کلام است و دیگری تحریف کننده کلام؟ چگونه ممکن است که یک زن فاحشه و یک زن پاکدامن در توافق با یکدیگر گام بردارند؟ نمی‌توانند این کار را بکنند. آنها هیچ نوع مشارکتی با هم ندارند. «از میان وی بیرون آید!» چون از شیطان است. این همان نشان وحش است و همه فرقه‌ها اکنون به سوی او می‌شتابند. اما من اهمیت نمی‌دهم که آنها که هستند.

خدا نه یک فرقه بلکه یک قوم را «به جهت نام خود» جمع خواهد کرد. یک فرقه این حقایق را دریافت نخواهد کرد. و آن فرد و شخصی شرایط لازم را احراز می‌کند که قادر به دیدن خدا و کلامش باشد و وابسته به تشکیلات نباشد؛ کسی که فقط برای خدا زندگی کند و نه برای تشکیلاتش یا حکمت عقلی فلان اسقفی که آن را تعلیم داده است. این درست است.

۱۳۷. فرزندان معصیت را با فرزندان اطاعت شراکتی نیست. یکی به روشنایی روز تعلق دارد و دیگری به شب، ظلمت، عصر شریر، روزگار شریر حاضر، کلوب شبانه و دانسینگ تعلق دارد ولو اینکه عضو و متعلق به کلیسا هم باشد. خدای آنها با این مسائل مشکلی ندارد. در این خصوص هیچ محکومیتی متوجه آنها نیست، هیچ چیز راحتی شان را به هم نمی‌زند.

یک بار خانمی گفت: «من بابت کوتاه کردن موهایم خود را محکوم نمی‌دانم و این موضوع وجدانم را ناراحت نمی‌کند.» همان قدر که مار مفصل ران دارد او هم وجدان دارد. این درست است. مسلماً ندارد. او معنی وجدان را نمی‌داند. [وجدان آن آدم] به گونه‌ای تحلیل رفته است که حتی معنی آن را نمی‌داند.

۱۳۸. در این میان عده‌ای که خود را پیرامون کلام صاحب نظر می‌دانند دوره افتاده و می‌گویند: «این حرف‌ها کهنه و عامیانه است. به آنجا نروید؛ آنها فقط یک مشت آدم پر سروصدا و پرهیاهو هستند.» آنها شناختی از کلام خدا ندارند و همان قدر از آن می‌دانند که یک هونتتو از یک شب مصری می‌داند. این درست و عین حقیقت است.

«صورت دینداری دارند، لیکن قوت آن را انکار می‌کنند از ایشان اعراض نما. زیرا که از اینها هستند آنان که به حيله داخل خانه‌ها گشته و زنان کم‌عقل را اسیر می‌کنند.»

«عزیزم باید چنین کنی. عزیزم فکر می‌کنم آن واعظ پیر و کهنه اندیش است... چقدر در بی‌کینگی یا هر نامی بر آن گذاشته‌اید، خوشگل می‌شوی. اگر این، آن یا آن‌یکی کار را بکنی. یک سیگار کوچولو که ضرری به کسی نمی‌رساند. من به کلیسا تعلق دارم و می‌دانی که فرقه ما در نظر همگان وجهه‌ای مناسب دارد.» اما شما به این کهنه دروغ‌گویِ چهره عوض کرده اعتماد نکنید. او به شما دروغ می‌گوید. این درست است. بله، آقا.

۱۳۹. خدای آنها مشکلی با این کارها ندارد، او این چیزها را فوق‌العاده می‌داند و آنها هم دقیقاً برای همین دوستش دارند.

آنها با شما مجادله خواهند کرد. آنها خواهند ایستاد و سر این مسائل علیه شما جنجال به پا خواهند کرد. چون، مسلماً، خود شیطان هم رو در روی عیسی مسیح صاف ایستاد و سعی کرد بگوید: «مکتوب است.»

و او که آنجا بود همان کلام ثابت شده خدا بود. او گفت: «دور شو از من ای شیطان!» شما نیز فقط همین کار را بکنید و حرکت کنید.

و این مرا یاد حرفی می‌اندازد که زمانی یکی به من گفته بود: «اینک اگر ایمان دارید که تعمید روح‌القدس حقیقت دارد و ایمان دارید که آن را دریافت کرده‌اید» و در ادامه گفت: «همین حالا به کوری مبتلایم کنید!» آن شخص یک واعظ بود. گفت: «کورم کنید!» گفت: «پولس روزی یک نفر را کور کرد.»

۱۴۰. گفتم: «آقا چطور می‌توانم کورتان کنم درحالی که همین الان هم کور هستید؟ چگونه می‌توانم شما را بکشم وقتی همین الان هم مرده‌اید؟»

گفت: «قدرت بینایی من بیست از بیست است.»

گفتم: «این بخش فیزیکی شماست؛ اما شما همچنان کور هستید.»

گفت: «این غیرممکن است! کتاب مقدس مسائل را تفسیر نمی‌کند. وقتی کتاب مقدس سخن می‌گوید ما سخن می‌گوییم و وقتی سکوت می‌کند ساکت می‌شویم.»

۱۴۱. گفتم، «بسیار خوب، وقتی ایلیا آنجا در دوتان بود و سپاهیان سوری رفته در همان اطراف تجمع کردند، یکی از خادمان دوید و گفت: «پدر من!» گفت: «پدر من، سوری‌ها ما را محاصره کرده‌اند.»

«ایلیا چشمان خود را مالید و بیدار شد و گفت، «مترس زیرا آنانی که با ما ایند از آنانی که با ایشانند بیشترند.»

گفت: «من کسی را نمی‌بینم.»

گفت: «خدایا چشمان او را باز کن.» حال او قبل از آن کور بود. اما بعد نگاهی به اطراف آن نبی پیر انداخت و دید که کوه‌ها از فرشتگان، ارابه‌های آتشین و اسب‌های آتشین پر است.»

«سپس راهی شد و کتاب مقدس می‌گوید که «آنها را به کوری مبتلا ساخت»، آنها را نسبت به چه چیز کور کرد؟ نسبت به خودش. او رفت و گفت: «آیا در پی ایلیا هستید؟»

«آری در پی او هستیم.»

گفت: «بیایید، شما را به او خواهم رساند.» ایلیا خودش آنها را برای رسیدن به ایلیا راهنمایی می‌کند. کور شده بودند!

گفتم: «می‌دانید می‌خواهم به شما چه بگویم؟» دقیقاً همان سخن که خداوندم به پدر شما گفت: «دور شو ای شیطان.»

۱۴۲. دقت کنید، فرزندان اطاعت و فرزندان معصیت نقطه اشتراکی با هم ندارند. معصیت ورزان خدای خود را می‌پرستند؛ آنها می‌گویند: «ما به کتاب مقدس ایمان داریم.» آری، این یک درخت تفریقی و دوگانه است. می‌بینید، آنها دنیا و دانش را به حقیقت و کتاب مقدس می‌افزایند. درخت شیطان ترکیبی است! حوا از میوه آن درخت شیطان یعنی درخت شناخت نیک و بد خورد. «ما به کلام ایمان داریم» مسلماً اما نه به کل آن. حوا نیز به کلام ایمان داشت اما اجازه داد تا شیطان درختش را بردارد و حقیقت را قدری مخدوش کند. مسئله این است.

«هرآنکه واژه‌ای به کلام بیفزاید یا چیزی از آن کم کند.» و او همچنان دیروز، امروز و تا ابد همان است! توجه کنید، بسیار خوب.

۱۴۳. این عصر شریر حاضر از جنس تاریکی است و با این حال به کلیسا تعلق دارد. آنها خدای خود را برای همین دوست دارند، برای سبک و سیاق او و کارهایی که می‌گذارد انجام دهند. آنها هیچ محکومیتی ندارند. تا زمانی که متعلق به کلیسا هستند هیچ چیز اذیتشان نمی‌کند.

این همان تعلیم بلعام به کلیساست. «بیایید یکی شویم؛ همه ما از یک جنسیم.» این آخرین حقه بود. خدا هرگز آنها را بابت پذیرش چنین دروغی نبخشید.

۱۴۴. به خاطر داشته باشید که کتاب مقدس در سه نوبت از گناهان نابخشودنی سخن به میان آورده و این موارد شامل کسانی می‌شود که به رغم تأیید و اثبات شدن حقیقت، از تفسیر شخصی خود کلامی را به حقیقت افزوده باشد.

درباغ عدن، بله، درباغ عدن اضافه شدن یک کلمه مرگ را در پی داشت.

وقتی بلعام این سخن که « همه ما از یک خاندانیم» را اضافه کرد، خدا هرگز اسرائیل را نبخشید و به جز سه نفر که خارج شدند همگی در بیابان جان باختند. عیسی گفت: «همه آنها مرده‌اند» تا ابد جدا شده‌اند. همه آنها از بین رفته‌اند؛ هرگز بخشیده نشدند. این یک گناه نابخشودنی بود؛ هرگز بخشیده نشدند، خدای من! ای فرزندان روشنایی شامگاهان، از آن بگریزید!

۱۴۵. حال آیا می‌بینید رهبر این روزگار مدرن، مذهبی و شیرین کیست؟ او همان شیطان است که درخت معرفت نیک و بد را گرفته و در آنجا قرار داده و خوب توجه کنید، عروس زیبای خود را برای ازدواج به شورای اتحاد کلیساها می‌آورد. جالب است. آن عروس زیبا و علم کیش خود را که مزین به همه آن مدارک و مدارج [تحصیلی] قابل کسب است؛ دکترایی از فرقه کلیسای مسیح، دکتر از کلیسای باپتیست، پرزبیتری، پنطیکاستی و همه اینها. و همه آنها به همراه همه آن زرق و برق‌ها و تزئینات و کلیساهای عظیم را به شورای جهانی کلیساها پیش می‌آورند و می‌گویند: «همه ما از یک جنس هستیم.» و این هرگز بر آنها بخشوده نخواهد شد. برچسب یک فرقه را با خود حمل کردن برابر با دریافت نشان وحش است. در اینجا به قدر کافی به این موضوع پرداخته‌ایم. فرزندان از آن بگریزید! ملاحظه می‌کنید؟ چه کلیسای عظیم و زیبایی است این کلیسای متحد شده که نشان وحش را بر خود دارد!

و با شورت‌ها و لباس‌های دنیوی و سکسی و انواع آرایش به راستی شاگردان خوبی برای شیطان شده‌اند و در پی جذب پسران خدا هستند؛ ازدواج یک پسر متولد شده با موجود پیر و طرد شده‌ای مثل آن. درست است، چه...

۱۴۶. می‌گویید: «کوتاه کردن موها چه دخلی به این مسائل دارد؟»

برادر بگذارید برای لحظاتی در این نقطه مکث کنیم. همین حالا حس کردم که کسی از این سخنان رنجید. شاید آن بیرون و یا جایی آن سوی خطوط تلفن بود.

گوش کنید. برای یک زن مو در حکم یک عهد از نوع نذیره‌ای است. موهای شمشون برای او حکم عهد و نذر نذیره را داشت. وقتی زن موهایش را کوتاه می‌کند یعنی این که او مطلقاً نذر نذیره خود که به موجب آن عروس مسیح است را انکار می‌کند. چرا که با این کار کل یک تصویر را مخدوش می‌کند. درست است! نذیره یعنی: «آنکه برای منظوری خاص وقف و تقدیس شده است.» آیا این سخن درست است؟ شمشون برای روزگار و منظوری معین، تقدیس و وقف شده بود و از همین رو موهای بلند داشت. زنی که فرزند خداست اجازه می‌دهد موهایش رشد کند تا نشان دهد که وقف تکاتک و اژه‌های کلام است.

۱۴۷. چنانچه موهایش را کوتاه کند، برایم مهم نیست که چقدر می‌رقصد، می‌خواند، در گروه کُر حاضر می‌شود، به زبانها سخن می‌گوید و به بالا و پایین می‌دود و یا این که چند مؤسسه خبریه گوناگون دارد، او [به رغم همه اینها] مرده است. این قول خداوند و کلام خداست. در اول قرن نهم ۱۴ ذکر شده است. آری. چنین زنی عهد نذیره خود را زیر پا گذاشته است و خود را به خدای این عصر مدرن فروخته است. این کاری است که می‌کند. بر چنین زنی شرم باد!

۱۴۸. به راستی که آنها اغواکنندگان پسران خدا هستند، پیرو همان رویه‌ای که پیش از این دیده شده است. همان‌گونه که عیسی گفت: « زمان بازگشت پسر انسان مثل روزگار نوح خواهد بود.» یعنی آن هنگام که زنان زیبا رو بودند و پسران خدا آنها را به همسری گرفتند. و خدای آنها فکر می‌کند که همه اینها فوق‌العاده، قشنگ، علمی و بر پایه دانش است؛ همه آن مدهایی که هالیوود در سالن‌های خود طراحی می‌کند. و همه آن ماجراهای آبکی و پر سوز و گدازی که روایت می‌کند، شما آن را می‌دانید.

۱۴۹. و همان کلیسا، خیلی ساده عاشق این است! خدای من! « من متدیستم و کمک‌تان خواهم کرد تا بفهمید. من پرزبیتری هستم. فهم و درایت برتر شبان ماست که وی را به گفتن چیزهایی از این دست وامی‌دارد.» با این حساب او آن قدر فهم و درایت ندارد تا چیزهایی را بازگو کند که خدا گفته است. توجه دارید؟

۱۵۰. و کلیسا خیلی ساده این را می‌پرستد. عاشقش است. این درست همان چیزی است که خواسته بود! برادر، او به فعالیتی که لازمه‌اش در پیش گرفتن رفتاری متفاوت از رفتار این ایزابل‌های مدرن باشد نه ملحق خواهد شد و نه به آن وارد خواهد شد، چون این نوع رفتار در طبیعت و ذات درونش ریشه دارد.

چطور می‌توانید طبیعتی... « و کیست از شما که به تفکر بتواند ذراعی بر قامت خود افزایش دهد؟» چنانچه زاده شده‌اید تا پنج فوت قد داشته باشید، شش فوت قد نخواهید داشت. آری، نظیر "ماشین کُشنده" بوث کلایبورن است.

۱۵۱. شما مردها و دارو دسته ریکی‌ها خوب گوش کنید! چنانچه زاده شده‌اید تا مرد باشید پس در آن صورت مثل مرد رفتار کنید. این چه جورش است که موهایتان را چتری می‌کنید تا همین طور روی چهره تان پایین بیافتد و آویزان بمانند، یا اینکه آنها را به صورت حلقه حلقه درمی‌آورید به گونه‌ای که مثلاً جاذبه جنسی ایجاد کند، حقا که از تبار منحط و فاسد مار هستید! شما را چه شده است؟

خدای من روزی این سرزمین را با آتش داوری خواهد کرد. و آن را در اقیانوس‌ها غرق خواهد کرد. وقت داوری او نزدیک است. و کل جهان از میان خواهد رفت.

۱۵۲. حکایت انحراف و گمراهی مذهبی است! انحراف و گمراهی بشری؛ مردان حتی نمی‌دانند جنسیت شان چیست، زنان هم همین طور و یا با پوشش

مردانه ظاهر مى‌شوند يا با پوشش کوتاه، لباس‌هاى كه... حرکات بدنشان آن‌گونه است و اسم خود را مسيحي هم گذاشته‌اند. چنين شخصى حتى يك بانو هم نيست، چه رسد به اين كه مسيحي باشد. او يك فاحشه خيابانى است كه آلت دست شيطان و تحت تاثير اوست تا پسران خدا را به جهنم فرستاده و بخشى از كلام كه مسيح از وقوع آن خبر داده بود؛ تحقق يابد. قصد نداشتم اين حرف را بزنم اما به هر حال اين چيزى است كه او گفته است. آيا منشا اين روح مذهبي را مى‌بينيد؟ همان درخت تركيبي و دوگانه است.

۱۵۳. مى‌گويند: «مشكل پوشيدن اين شلوارها چيست؟» آن را كاپري (شلوار تنگ و کوتاه) يا هر چيز ديگري مى‌نامند.

كتاب مقدس گفته است: « پوشيدن لباس مردانه توسط زنان در نگاه خدا عملى قبيح است.» كتاب مقدس چنين مى‌گويد.

و زنى كه موهاى خود را کوتاه مى‌كند سر خود را بي‌حرمت مى‌كند. و حتى چنين نيست كه... دعا كردن زن با موهاى کوتاه گناه است، اين چيزى است كه كتاب مقدس راجع به دعا كردن در جمع با سر ناپوشيده گفته است.

مى‌گويند: « من كلاه مى‌پوشم.»

۱۵۴. توى ريباكار دارى چنين امورى را به زنان تعليم مى‌دهى! در حالى كه كتاب مقدس گفته است: « مو به جهت پرده و پوشش به زن داده شده است» و نه يك جور كلاه ساخته دست بشر. اين گفته كتاب مقدس است. من در اين خصوص مسؤليتى ندارم؛ من تنها مسؤل گفتن حقيقت هستم. از آن دسته اهالى رسوايى، چنانكه كتاب مقدس توصيف مى‌كند، نباشيد. يعنى آنها كه «كلام خدا را مغشوش مى‌سازند» تا خواسته هاى يك مشمت "ريكتا" را برآورند.

۱۵۵. من در اينجا واژه شر (به انگليسى evil) را نوشته‌ام. و در اينجا به جاى evil آن را به صورت Elvis يادداشت کرده‌ام، و هر دو نهايتاً يكي است و به يك جا وصل مى‌شوند. "الويس" به معنى گربه است و واژه "ريكى" به معنى موش. وقتى مى‌گويند "ريكى كوچولو" در واقع مى‌گويند "موش كوچولو" فرزندان همان چيزى است كه او را صدا مى‌زنيد. اگر كوچكتان چنين نامى دارد محض خاطر انجيل فوراً آن را تغيير دهيد. نبايد چنين نامى را بر بچه...

هرگز در دوران كتاب مقدس يا دوران ديگري به چنين نام‌هاى برنمى‌خوريد، اين نام‌ها مربوط به همين روزگارانند. اگر دورانى بوده كه سر و كله موش‌ها و گربه‌هاى فاسد پيدا شده باشد همين دوران فعلى است.

۱۵۶. همه اين...؟!... توليدكنندگان ديسك‌هاى كه فروش مليون دلارى دارند و آن بچه‌هاى كه بيرون مى‌چرخند و حتى نمى‌توانند مدرسه بروند بدون آنكه يكي از آن چيزها چسبيده به گوش و يكي از آن راديوترانزيستورهاي كوچك قديمى در جيبشان باشد... فقط صدای "بوم بوم" است كه مى‌شنوند.

یک بار تعدادی از آنها به خانه ما آمده بودند و ما... عده‌ای از آن پسرها برای نقاشی خانه ما آمده بودند. گفتیم: «این چیز را از اینجا بیرون ببرید. اگر نمی‌توانید بدون آن کار کنید پس کار را رها کنید. این قضیه به قدری مرا عصبی می‌کند که حتی نمی‌توانم اینجا بمانم. ما این مکان را به خدا تقدیم کردیم. نمی‌خواهیم دوربرمان سر و صداهای مهمل موسیقی "بوگی-بوگی" این ایام آخر را بشنویم.» گفتیم: «آن را خاموش کنید، یا کار را رها کنید!»

۱۵۷. توجه کنید که با همه این احوال همانها مذهبی هستند و صاف به کلیسا می‌روند و در راه‌روها و ورودی‌ها می‌ایستند و به این موسیقی جاز تند بوگی-بوگی گوش می‌دهند.

۱۵۸. همچنین توجه کنید که عروس - کلام مسیح نیز در مسیر خود حرکت می‌کند. همان طور که دیدیم مسیر حرکت ضد مسیح و این که به کجا می‌رود معلوم شده است؛ از همان دیرباز تا اکنون که مرحله نمایان شدن سر فرارسیده است، به عبارتی شورای اتحاد کلیساها که همه چیز را در یک سر واحد کلیساییی تجمیع خواهد کرد. و از آن سو کلیسای کوچکی در حال ظهور است که همان کلام-عروس مسیح است و از خلال عصرها گذشته و او نیز در مرحله رسیدن به سر و سرور خود قرار دارد، زیرا قرار است باز به زوج خود بپیوندد و با او یکی شود. همواره [چنین است]، درست مثل کلیسا و هر چیز دیگر باید این اتحاد برقرار شود. گندم، فارغ از هر چیز دیگر، آنگاه که به مرحله پدیدار شدن سر رسیده باشد به همان شکل آغازین خود بازمی‌گردد؛ درست مثل قائن و هابیل. عروس-کلام در مسیر منتهی به کلام خدا، که برای این روزگار شریر آشکار گشته است پیش می‌رود، و این همان روزگاری است که در آن بسر می‌بریم. آیا می‌بینید که حرکت در کدام مسیر است؟

۱۵۹. و شیطان به زودی دست عروس روشنفکر خود را خواهد گرفت و آن شخص قدرتمند که همان ضد مسیح باشد را برخواهد افراشت و بر بالاترین مرتبه‌ها قرارش داده و بر تخت خواهد نشاند، «و تمامی جهان در پی او به حیرت خواهند افتاد.»

و مسیح خواهد آمد. هر دوی آنها نمی‌توانند در یک زمان و در آن واحد حضور و وجود داشته باشند. بنابراین قلمرو او تسخیر شده و او هم نابود خواهد شد.

و مسیح، کلام خداست... زن بخشی از بدن مرد است. آنها دو نیستند، بلکه یک تن هستند. و عروس، کلیسا، کلام «و قومی که از اینجا و آنجا به جهت نام خودش خوانده و جمع شده‌اند» در بدن عیسی مسیح متحد خواهد شد.

و پادشاهی ضد مسیح برافزاده و نابود خواهد شد. و مسیح است که باید تخت را گرفته و بر کرسی پدرش داود بنشیند و مدت هزار سال بر زمین سلطنت کند؛ و چنین او کلیسایی بدون چین و لکه به پیشگاه خدا تقدیم خواهد کرد. آری!

۱۶۰. اینک به موهای بلندش دقت کنید، این یک پیمان و نذر نذیره در برابر کلام خداست. اکنون چهره و شمایل عروس مسیح را وصف و تصویر خواهم کرد. ما چهره ضد مسیح را شرح دادیم، این که کجاست و این که مذهب گرا و علم کیش است و همه اینها. و اینک عروس کوچک سربه زیر و فروتن مسیح خیلی ساده فقط به کلام ایمان دارد و فرقی نمی‌کند که کیست و چه جایگاهی دارد. این کلیسا از افراد مستقلی تشکیل می‌شود. امیدوارم و رجاء واثق دارم که عده بسیاری که نشسته‌اند حضور داشته باشند و گوش دهند. و امیدوارم خودم و هر یک از شما بخشی از آن عروس باشیم. امیدوارم که بسیاری چنین باشند و برای همه آنها که نشان شده باشند چنین شود، چرا که این بخشی از طبیعت شان است. آنها می‌بینند، تنها کلام می‌تواند کلام را بشناسد. نمی‌تواند یک فرقه و یک انحراف را به رسمیت بشناسد. او خود بهتر می‌داند؛ او کلام است. ملاحظه می‌نمایید؟ او نمی‌تواند چیزی را به رسمیت بشناسد که...

گندم نمی‌تواند چیزی غیر از گندم باشد. در ابتدا و آغاز رویش گندم بوده؛ در انتها نیز گندم خواهد بود. و یک علف هرز هرگز نمی‌تواند گندم شود، هر چند از برکت بارش همان مسح برخوردار شده باشند. ملاحظه می‌نمایید؟ اما او گندم نیست. مثل همان مثالی که آن روز زدم، درباره درختی که شاخه‌های [چند میوه] متفاوت بر آن قرار گرفته بود.

۱۶۱. موهای بلندش یک عهد و نذر نذیره و نمایانگر آن است که وی (کلیسا) با خدا عهدی دارد. او خود را ملبس به جامه زیبایی کرده که همان کلام موعود خدا برای این دورانی است که در آن به سر می‌برد تا همین اثباتی باشد که وی (عروس) جزئی از آن داماد است که در عبرانیان ۸:۱۳ چنین وصف شده است: «عیسی مسیح دیروز، امروز و تا ابد همان است». زیرا عروس بخشی از آن داماد است و از هر نظر به او وفادار است.

۱۶۲. اینک بنگرید. چنانچه زنی متأهل با مردی دیگر بیرون برود و با او ارتباطی عاشقانه داشته باشد و بعد هم پیش شوهرش برگردد، شوهرش باید او را بیرون کند. این طور نیست؟ زن باید به شوهرش وفادار باشد چون با او پیمان بسته است و نسبت به او متعهد می‌باشد.

و عروس مسیح عهد و پیمانی با او بسته و به او تعهد دارد، و او (مسیح) همان کلام است.

می‌دانیم که یک زن نباید به مرد دیگر چشمک بزند. نباید هیچ نوع نشانه و یا ابراز احساساتی نسبت به مرد دیگر در رفتارش دیده شود، زیرا او کاملاً عروس یک داماد است.

۱۶۳. ما طالب هیچ یک از آن درختان تلفیقی، ترکیبی و دوگانه شما و یا فرقه‌هایتان نیستیم. به مسیح که همان کلام است وفادار بمانید و او حقانیت آن کلام را به اثبات خواهد رساند. نه آقا، نباید کوچکترین احساسی نسبت به او

(شریر) نشان داد و در صدد عشق ورزی با او برآمد، نباید به صفوف او یا هر چیز دیگری پیوست، و یا اینکه گذاشت که او شما را در دستان خود و یا تحت حمایت و مراقبت خود بگیرد، یا این‌که/این‌گونه و از این راه یا/ن‌گونه و از آن راه با شما سخن بگوید.

تنها یک صداست که شما آن را می‌شنوید، «گوسفندان من آواز مرا می‌شنوند. غریب را متابعت نمی‌کنند...» آواز او چگونه است و چه مشخصاتی دارد؟ آواز هر انسان کلام اوست. و صدای او همین است، این کتاب مقدس که نه کلمه‌ای باید به آن افزود و نه کلمه‌ای از آن کم کرد. تنها همراه این صدا بمانید. «غریب را متابعت نمی‌کنند» که این می‌تواند یک فرقه باشد.

۱۶۴. چرا که او بخشی از داماد است. از جمیع جهات و جنبه‌ها به او وفادار است و به انتظار ازدواج نشسته است. پیوندی که نه در شورای اتحاد کلیساها بلکه در آسمان و در شام عروسی رقم خواهد خورد. این سعادت نصیب او شده است... این سخن مربوط به کلیسای خودمان است. اسرار هفت مهر کتاب مقدس به او بخشیده شده و بر وی مکشوف گشته است. ملاحظه می‌کنید؟ او جنون آن متقلب اغواگر را می‌بیند و تشخیص می‌دهد، همان که نسخه بدلی آن، چنان شبیه اصل حقیقت است که اگر ممکن بود برگزیدگان را نیز گمراه می‌کرد، او قادر به تشخیص این امر است. او...

۱۶۵. آیا فعالیت آن دو روح مخالف و ناهمساز با یکدیگر را در این روزگار شریر حاضر می‌بینید؟ آیا می‌توانید آن را رؤیت کنید؟ هر دو بسیار معنوی هستند، مثل قائن و هابیل، و این دو روح روندی را طی کرده‌اند که بر حسب آن بار دیگر به سران و اربابان خود می‌پیوندند، درست همان‌طور که در آغاز بوده‌اند. یکی از راه زیبایی، به واسطه دانش، تحصیلات، علم و اخلاقیات عبادت و پرستش می‌کند اما دیگری این کار را به واسطه ایمان و مکاشفه خدا می‌کند. و هر دوی آنها امروز صبح در این ساختمان صاف ایستاده‌اند و حضور دارند. این حقیقت است.

۱۶۶. مکاشفه یا ایمان به کلام او با ادعای دانش سر و کاری ندارد؛ این منش مسیحیان واقعی و راستین است. می‌گویند: «آیا شما دکترا دارید؟»

آنها را با ادعا کاری نیست. «من- من به کلام او ایمان دارم.» می‌بینید؟ هیچ ادعایی ندارد. به هیچ فرقه، حزب یا جریان فرقه‌ای تعلق ندارد. او به مسیح تعلق دارد. او همسرش است، و نه همسر یک کلیسا.

او [کلیسای دنیوی] یک فاحشه است. کتاب مقدس از وی به عنوان «روسپی» و «مادر فواحش و خبائث دنیا» یاد کرده است و همه آن فواحش به یکدیگر می‌پیوندند تا یک فاحشه واحد را پدید آورند. و این قبیل زن‌ها به شوهر خود وفادار نیستند؛ هر چند مدعی هستند که مسیح شوهرشان است ولی هم‌زمان به یک فرقه تعلق دارند. چه نامربوط! ما به مسیح تعلق داریم.

۱۶۷. اما اين زن كوچك مؤمن و مطيع كه به ايمان زيبست مى‌كند همان عروس است؛ و كسانى كه به كلام خدا ايمان دارند، و در اطاعت كامل و محبت در انتظار تأييد وعده اين عصر هستند از /انجا، آنجا، از جايى ديگر و كليساى ديگر و فرقه‌اى ديگر و هر چه كه هست بخشى از او خواهند شد. عروس چشم انتظار آن است. او بخشى از آن كلام است و چشم‌انتظار آن است تا حياتش آن كلام را نمايان و آشكار سازد.

برادران، آيا اينها را نمى‌بينيد؟ اميدوارم از چشمانتان پنهان نمانده باشد.

بدن (همان كلام) در انتظار حيات (همان روح) است تا تأييدش كند و به او جان و حيات ببخشد. اين چيزى است كه براى آن انتظار مى‌كشد. هيچ حيات ديگرى در او عمل نخواهد كرد. او از راه ديگرى نمى‌تواند پا به حيات بگذارد. و با همه اين احوال، او اين را حس مى‌كند و مى‌داند كه قرار است واقع شود و وقتى اين اتفاق رخ دهد او بيدار مى‌شود. خدا گفت «چنين بشود» و او پديدار مى‌شود به همان شكل كه مورد نخست پديدار شده بود.

۱۶۸. «فرزندان معصيت» يعنى... معصيت به معنى «طغيان و نافرمانى» است. به فرهنگ لغات مراجعه كردم تا مطمئن شوم. طغيان، اين طغيان و شورش عليه چيست؟ [عليه] كلام مكشوف و آشكار خدا. همان طور كه قائل عليه مكاشفه‌اى كه بر هابيل مكشوف شده بود طغيان كرد، يعنى آنجا كه خدا بر عدالت وى شهادت داد. و قائل عليه اين حكم خدا طغيان كرد و برادر خود را سلاخى كرد.

فريسي‌ها با دانش فرقه گرايه خود از ماهيت و چيستى كلام خدا، مردانى را گزينش و دست چين مى‌كردند و با اين كار عليه كلام اثبات و تأييد شده خدا كه براى آن روزگار آشكار شده بود شوريدند و او را كه همان عيسى مسيح بود به قتل رساندند. درست است؟

معنى «فرزندان معصيت» هم همين است، طغيان و شورش عليه كلام خدا.

حال آيا مى‌بينيد كه اينك آنها به كجا رسيده‌اند؟ «زمانه معجزات سپرى شده است. عيسى مسيح ديگر همان نيست. چيزى موسوم به تعمد روح القدس وجود ندارد. همه اين حرف‌ها مهمل است!» مى‌بينيد، اين طغيان است؛ آنها نيازى به گفتن دو چيز ندارند؛ فقط كافى است يك چيز بگويند، همين و تمام. اين طغيان است، از همانجا آغاز مى‌شود. آنها نمى‌توانند بگويند شما چشم نداشته باشيد يا گوش نداشته باشيد؛ شما بايد كل بدن را داشته باشيد، كل كلام را. دقت داريد؟

روح القدس در دعوت خود مى‌گويد: «از ميان او بيرون آييد، در نغمه‌اى فرقه‌اى او شريك نشويد»، چرا كه كلام خدا براى اين زمان را به باد استهزا گرفته و حقير مى‌شمارند.

«خدا را استهزا نمى‌توان كرد»، خوب به ياد داشته باشيد. او اين را درخواهد يافت. نگران نباشيد. او اين را درخواهد يافت. كتاب مقدس در افسسيان ۴: ۳۰

نیز به این موضوع اشاره می‌کند. اگر مایلید می‌توانید آیه را یادداشت کنید، در کلام آمده است: «خدا را استهزا نمی‌توان کرد. زیرا که آنچه آدمی بکارد همان را درو خواهد کرد.» آنها نمی‌توانند استهزا کنند و مسخره کنند و چنین سخنانی را به زبان آورند و بعد هم همین طور رد شوند و جان سالم به در برند. «به نانی می‌ماند که بر آب بیفکنند، باز می‌گردد.»

۱۶۹. او عروس شیطان است که خود را در جامگان دانش مذهبی و گناه دوست خود پیچیده است، و این از ویژگی‌های این عصر شریر است، و قصد او از همه اینها فریفتن شماس است. خدای من! دار و دسته‌ای کامل و یا البته فرقه‌ای از روح‌هایی که از راه علم و دانش و تمدن مدرن دست به فریب و اغوا می‌زنند! ادعا می‌کنند که...

تا دقایقی دیگر بحث را می‌بندیم، لازم است مکث کنم چون نمی‌توانم به شکل همه‌جانبه به این موضوع بپردازم.

ادعا می‌کند که در حال ساخت دنیایی بهتر برای شماس است تا در آن زندگی کنید. او ادعا می‌کند در تمدن خود کلیساهای زیبا، دانشکده‌ها، مدارس، بیمارستانها، کتابخانه‌ها ساخته است، همه جور کمک موقت برای بشر، بی‌آنکه کلام خدا در آن میان نقشی داشته باشد. او ثابت کرده که از عهده این کار برمی‌آید. و مردم هم به این مظاهر دل باخته‌اند؛ بله، آقا! مدارس، فرقه‌ها، فرهنگ، مردمانی که بهتر می‌پوشند و بهتر می‌خورند.

من ترجیح می‌دهم در صف صدقه بگیران باشم و مسیر درست را پیش گرفته و در خدا راست و امین باشم تا این که روزی سه وعده جوجه سرخ شده بخورم و به چنین فاحشه‌ای تعلق داشته باشم.

۱۷۰. یادتان باشد که وقت ظاهر شدن نشان وحش، قریب‌الوقوع و بسیار نزدیک است. شما یا داخل و بخشی از آن خواهید شد و یا خارج از آن قرار خواهید گرفت. و وقوع این اتفاق به ناگهانی آمدن شبانه یک دزد خواهد بود. شما را همانجا که هستید غافلگیر کرده و همانجا [که هستید] گیرتان می‌اندازد. آن وقت است که راه گریزی نخواهد بود؛ شما گیر افتاده‌اید. پس بیرون آیید!

از آسمان فرشته‌ای فرود آمد که چهره‌ای شگفت‌انگیز و درخشنده دارد و خطاب به مردم بانگ برمی‌آورد. و زمین می‌لرزد. «از میان بابل بیرون آیید! چرا که منهدم شده است. مبادا در گناهانش شریک شوید ای قوم من!». از میان او بیرون آیید. بیرون آیید! آیا چندی پیش این مطلب را در کلام خواندیم؟ فرشته به معنی «پیام‌آور» است که فرود می‌آید. توجه کنید روح القدس چه می‌گوید، «از میان او بیرون آیید، مبادا شریک گناهانش شوید.»

۱۷۱. حال او همه این چیزها را ساخته است. او کلیساهای عظیم ساخته است. او کالج و مدرسه‌ها ساخته است. و مردمان را گرفته و آنها را آموزش داده تا وارد به اصطلاح تمدن بهتری شوند. و آنها را به وسیله تمدن مدرن، آموزش

داده‌اند و به واسطه شناخت به ورطه مرگ و مکانى دور از خدا و كلامش برده‌اند.

آيا كل اين نقشه و دسيسه را نمى‌بينيد؟ آيا آن كليساها را مى‌بينيد؟ [جماعت مى‌گويند: "آمين"- گروه تأليف] آن بيرون، اگر در جماعت‌هاى خودتان اين چيزها را رؤيت كرديد و آمين بگوييد ديگران درخواهند يافت كه در کدام نقطه قرار گرفته‌ايد. ملاحظه مى‌كنيد؟

و او اين كار را كرده است ... او خداى اين زمين است. او كالچ‌ها ساخته است. دانشگاه‌ها ساخته است. بیمارستانها ساخته است. كتابخانه‌ها ساخته است. او همه اين چيزها را براى سعادت و آسايش موقت بشر ساخته است، تا مردم را از آن كلام جدا سازد. و با اين كار آنها را به کدام سو هدايت كرده است؟ كل كليساى دنبوى در ورطه هلاكت و سقوط است چرا كه خدا گفته آن فاحشه و فرزندانش را با آتش ابدى خواهد سوزاند.

از ميان او بيرون آبيد! نگذاريد آنجا گير بيفتيد. در کوتاه‌ترين زمان ممكن از آن خارج شويد!

دقت كنيد، او توانسته است همه آن كارها را با دانش علمى خود و بدون كلام خدا انجام دهد.

۱۷۲. خدا هرگز ما را به ساختن مدرسه‌ها امر نكرده است. خدا هرگز به ما نگفته است بیمارستان بسازيم. در خوب بودن آنها شكى نيست. او هرگز به ما نگفت كتابخانه بسازيم. نه، آقا. هرگز.

او گفت: «انجيل را موعظه كنيد.» و مراد از انجيل آشكار و ثابت كردن قدرت روح القدس است.

پولس گفت: «زيرا كه انجيل ما بر شما محض سخن وارد نشده است، بلكه با قدرت روح القدس و يقين كامل.» پولس گفت: «من هرگز با مشتى سخن زيبا و حكيمانه يك دكتور يا از اين سنخ افراد نزد شما نيامدم، من با قدرت و مظاهر روح القدس نزد شما آمدم؛ تا ايمان شما نه بر حكمت و دانش اين دنيا بلكه بر قدرت و رستاخيز عيسى مسيح استوار شود؛ چرا كه او زنده است و ديروز، امروز و تا ابد همان است.» باشد كه خدا ما را يارى كند تا به همان ايمان داشته باشيم. او همان كارها كه كرده است را تأييد و به ظهور مى‌رساند.

۱۷۳. او [شيطان] شما را از ديدن مكاشفه حقيقى و ايمان به كلام مكشوف و اثبات شده خدا براى اين دوران باز مى‌دارد، او اين كار را نه به كمك مدرسه‌ها، كتابخانه‌ها، نوشته‌ها و بیمارستانهاى خود و مواردى از اين دست مى‌كند. التفات داريد؟ او مانع از آن مى‌شود كه شما اينها را ببينيد. او همان كارى را مى‌كند كه براى فرعون كرد، يعنى با تفسير خود مى‌كوشد شما را از ديدن و مشاهده معنى كلام تأييد و اثبات شده در زمان موعود روشنايى شامگاهان بازدارد، كلامى كه اثبات و تأييد شده است. او تلاش كرد تا به وسيله دانش، مدارس، و آدم‌هاى

تحصیل کرده‌تر و اخلاقیات مورد نظرش و مواردی از این دست مانع از آن شود تا آن حقیقت را رؤیت نمایید.

هر کاری می‌کند تا نگذارد شما آن حقیقت که همانا عیسی مسیح است را رؤیت کنید و ببینید. چگونه می‌فهمید که این عیسی مسیح است؟ او کلام است، او کلام این روزگار است و درباره این روزگار... آنچه گفت در این روزگار تحقق خواهد یافت، اینجا و اکنون در حال واقع شدن است. می‌بینید؟ ملاحظه می‌کنید؟ او [شیطان] نهایت تلاش خود را می‌کند تا شما را از رؤیت حقیقت این روزگار محروم کند.

او آن حقیقت را از هیچ نام و برجسب کثیفی بی‌نصیب نخواهد گذاشت. نام‌هایی مثل «غلندگان مقدس» را بر آن خواهد نهاد. او عیسی را «بعلزبول» خواند. «اگر صاحب‌خانه را بعلزبول خواندند، چقدر زیاده‌تر اهل خانه‌اش را.» می‌بینید؟ ۱۷۴. او می‌کوشد مانع آن شود تا معنی واقعی کلام را ببینید و دریابید... او آن حقیقت را تفسیر می‌کند و می‌گوید معنی آن این است.

خدا گفت: «قول داده‌ام در روزهای آخر شخص مورد اشاره در ملاکی چهار را نزد شما بفرستم.» و این نیازی به تفسیر ندارد؛ او این کار را کرد. او گفت: «شرایط جهان مانند سدوم در ایام لوط خواهد بود؛ دقیقاً در همان مقطع من پسر انسان را آشکار خواهم ساخت.» ما شاهد همه نوع تقلید و نسخه‌های بدلی بوده‌ایم، اما در عین حال آن نسخه واقعی و اصیل را نیز دیده‌ایم. می‌بینید؟ او گفت که این کار را خواهد کرد.

او گفت که ضد مسیح برخاسته و تا جایی پیش خواهد رفت که اگر ممکن بود برگزیدگان را نیز می‌فریفت. و همچنین گفته شده که «آنها را رها کنید. بگذارید ادامه دهند زیرا که حماقت ایشان بر جمیع مردم واضح خواهد شد.» چرا؟ زیرا آزمون کلام این امر را ثابت خواهد کرد. ملاحظه می‌کنید؟

وقتی به آن کلام می‌رسید و می‌گویید که: «آن مورد قبلاً به این صورت بوده؟ من به ذریت مار ایمان ندارم. من به این، آن یا آن یکی ایمان ندارم.» پس هرگز این حقیقت بر شما مکشوف نشده است. می‌بینید، هرگز. برادر، بنگرید که کجا...

باید سریع‌تر تماش کنیم، چون ساعت دوازده شده است.

۱۷۵. توجه کنید، او می‌کوشد مانع از آن شود تا شما مفهوم کلام این دوران یعنی روشنایی شامگاهان را رؤیت نموده و ببینید که بازگو می‌شود... مفهوم آن چیست؟ زمان خروج بسیار نزدیک است و خدا برای بردن عروس خود می‌آید و این مثل روز روشن است. توجه دارید؟

۱۷۶. حال می‌خواهم سؤالی از شما ببرسم. اینک پنج دقیقه‌ای از ساعت دوازده گذشته است؛ و امشب هم [این بحث] را ادامه خواهیم داد. آیا خدای این روزگار

را مى بينيد؟ [جماعت مى گويند : "امين" - گروه تاليف] آيا ايمان داريد كه چنين است؟ [امين]. آيا شرايط اين كليساى روشنفكر و علم كيش را مى بينيد؟

كل جهان به او، يعنى به فرقه ها تعلق دارد. مى گوييد، « من مسيحي هستم » و بعد مى پرسيد: « شما به کدام فرقه تعلق داريد؟ » خوب، اگر من به فرقه اى تعلق داشتم فكر نمى كنم بتوانم مسيحي باشم. اين حرف سنگيني است اما واقعيت همين است.

جان كلامى كه گفتم اين است؛ ميان اين شناخت و دانش و مسيحيت، شراكتى وجود ندارد. يكي از شيطان است و ديگرى از خدا. از هر آنچه مخالف كلام خداست دور شويد. مى بينيد؟ نه آقا، كتاب مقدس، در اين روزهاى آخر، مسيحيان را به خروج از ميان آن فاحشه و دورى از آن درخت معرفت نيك و بد فراخوانده است.

۱۷۷. بدون شك جنبه هاى از خير در او هست. مگر كسى مى تواند درباره بيمارستان بد بگويد؟ نه، آقا. از كتابخانه چطور؟ نه، آقا. از تحصيلات؟ نه آقا. اما ببينيد، نكته اينجاست كه كلام خدا در ميان اين خدماتى كه ارائه مى دهند جايى ندارد، مى بينيد چقدر فريبنده است. به آنها كليساىى براى رفتن مى دهند و معبودى براى پرستش، « خدايى كه بر كرسى و تخت جلوس خواهد كرد. » كتاب مقدس اينها را پيشگويى کرده است.

۱۷۸. اينك شما به يكي از آن دو بدن تعلق داريد. در حال حاضر دو گونه بدن بر روى زمين برقرار است، چنانكه همواره بوده و تا زمان بازگشت عيسى نيز خواهد بود و يكي از آن دو نابود خواهد شد. حال شما به يكي از آن بدن ها تعلق داريد. شكل گيرى يكي از آنها بر پايه عضوگيرى است و ديگرى بر پايه تولد (تازه). ملاحظه مى نماييد؟

يكي از آنها به گونه اى است كه بواسطه تولد تازه بخشى از آن شده ايد و به آن تعلق داريد. آيا براى من ممكن است وجود دستم را انكار كنم؟ چنين است كه اگر بخشى از خدا هستم برايم ممكن نيست كه هيچ يك از كلمه هاى خدا را انكار كنم. من بخشى از ويليام برانهام هستم؛ وجودم اجزا و اعضاى متعددى دارد و هر يك از اين اجزا بخشى از وجودم است. و هر يك از واژه هاى خدا بايد در روح بنشيند و با آن بخواند، بايد با زندگيم بخواند، با افكار و اندیشه هايم بخواند. چنانچه اندیشه هايم مخالف آن باشد، پس روح خدا در من ساكن نيست. اين يك حقيقت است. نمى توان يك كلمه از آن حقيقت را انكار كرد.

۱۷۹. شما به يكي از اين دو بدن تعلق داريد. چنين است، از اين دو حال خارج نيست. يا از راه كلام در بدن الهى قرار گرفته ايد يا تنها با عضويت در كليسا با بدن شيطان پيوند خورده ايد. مقرر است كه كل جهان به كليساىى تعلق داشته باشد و به عبادت يك نوع خدا مشغول شود. شما يا بايد خداى دانش را بپرستيد و [در آن صورت] نقطه اتكاي شما چيزى است كه از راه دانش دريافته ايد و به

این، آن، یا آن دیگری تکیه می‌کنید؛ یا این که نقطه اتکای شما کلام خداست و آنچه از راه ایمان دریافته‌اید و در همین راستا منتظر آن می‌مانید تا او آن امور مربوط به کلام را اثبات کرده و تحقق بخشد.

کلیسای راستین خدا فرا رسیدن آن هزاره شادمان را به انتظار نشسته است؛ آن دم که قرار است خداوند متبارک ما از راه رسیده و عروس منتظر خود را برگرد،

قلبم غرقِ شعف می‌شود آنگاه که مشغول کار، تأمل و دعا می‌شوم،
زیرا خداوندمان به زمین بازمی‌گردد.

دوباره خداوندمان به زمین بازمی‌گردد،

شیطان هزار سال به بند خواهد رفت و دیگر از وسوسه کننده خبری نخواهد بود،

آنگاه که عیسی دگربار به زمان بازآید

۱۸۰. ای مردمان ایالات متحده، که اکنون مخاطب این پیغام هستید، با قدرت و سرعت هرچه تمام از این عصر علم کیش و دانش زده‌ای که در آن بسر می‌بریم بگریزید. به کلام خدا پناه ببرید!

شما، من و هیچ احدی نمی‌تواند حقیقت را بشناسد. هیچ احدی نمی‌تواند آن را اثبات کند. خداست که به راه و رسم خود آن را اثبات می‌کند. کسی حق ندارد آن را تفسیر کند؛ نه من و نه هیچ انسان دیگر. خدا خودش به شکلی که خاص اوست تفسیر می‌کند. او این وعده را داده است. او گفت که در ایام آخر این کار را خواهد کرد.

و در ایام آخر خدای این روزگار شریر حاضر چشم‌های مردم را کور خواهد کرد، او این کار را به کمک شناخت روشنفکری که بر یک درخت دوگانه از نوع [شناخت] نیک و بد قرار گرفته، خواهد کرد و از آن به مردم خواهد داد. و چنین است که آن فرقه که طی دوره‌های ظلمانی (قرون وسطی) و حتی پیش از دوره‌های ظلمانی شکل گرفته است اینک در حال کامل شدن و ظهور است، آن هم در قالب یک ایرانسان، همان شیطان، که گفت: «خود را بلندتر از پسران خدا برخواهم افراشت و آنان سخنانم را خواهند شنید.» «مثل خدا در هیکل خدا نشسته، خود را می‌نماید که خداست» و پسران خدا نیز فریب او را خواهند خورد.

۱۸۱. خوب، از زبان آن نوع پسران خداست که می‌توان شنید: «خوب، زن خوبی دارم...» همین طور ادامه دهید، فقط ادامه دهید. می‌بینید؟
می‌گویید: «خوب، او از تعبیر پسران خدا استفاده کرد.» آقا.

درباره جایگاه مرد گفتنی که او صورت و جلال خدا را منعکس می‌سازد. زن از مرد پدید آمد و فرآیند نخست دستان خدا نبود. درست است. «وقتی پسران خدا دیدند که دختران آدمیان نیکومنظرند، آنها را به همسری گرفتند.»

« چنان كه ايام نوح بود، ظهور پسر انسان نيز چنان خواهد بود. »

حال توجه كنيد، اگر مايليد بدانيد كليسا در چه وضعيتى قرار دارد، به زنان بنگريد كه در چه وضعيتى هستند، مي بينيد، چرا كه زن نماد كليسا است. ببينيد كه در اين عصر فحشا گرفته شريف، به چه كارى مشغولند.

۱۸۲. دقت كنيد، در جهان شهرى دون صفت تر، رذل طينت تر، سطح پايين تر از ناصره نبود، شهرى پر از فحشا. و خداوند از دل چنين شهرى باكره‌اى را انتخاب كرد. «مگر مى شود كه از ناصره چيزى خوب پيدا شود؟»

از دل چنين روزگار شرارت بارى كه خداى اين جهان چشم مردمان را با انواع دگمها و فرقه‌ها پركرده است، خدا قومى را به جهت نام خود انتخاب مى كند.

و گرچه اينجا به هيچ گرفته شده و خوارشان شمرده اند، اما روزى خداوند برگزيدهگان خود را گرد آورده و به دروازه رهنمون خواهد شد و اين به همه چيزى مى ارزد.

و آنگاه سرود خوانان و فرياد زنان و رقصان خواهيم بود،

بره اشك‌هاى ما را پاك خواهد كرد؛

و چه هفته شادى داشته باشيم وقتى به خانه بازگرديم،

در آن ده هزار سال نخست. (اين درست است)

مردمانى فوق العاده را به جهت نام خويش فرا خواهد خواند (آيا چنين نيست؟)

هر چند به هيچ گرفته و خوارشان شمرده اند، اما روزى خداوند

برگزيدهگان را گرد آورده و به دروازه رهنمون خواهد شد (در زمان خروج)

و اين براى من به هر چيزى مى ارزد

۱۸۳. من دارم پيرمرد مى شوم. و روزهاى عمرم رو به افول مى رود؛ و سوى

چشمانم در حال كاهش است؛ شعله كوچك جانم رفته رفته ضعيف تر مى سوزد.

هراسى از تاريكى ندارم. و دوست دارم همراه با پولس بگويم : « او را در

قدرت قيامت وى مى شناسم. » فارغ از اين كه كجا به خاك سپرده شوم، يا اين

كه در دريا غرق شوم، يا در كوره‌اى بسوزم و يا به كام يك شير بروم، او نام

مرا خواهد خواند و من به حرف خواهم آمد. آمين!

دعا كنيم.

۱۸۴. اگر كسى در اينجاست، يا آنجا و از طريق خطوط تلفن مخاطب اين پيغام

است، [اگر] در گروه‌ها و تالارهاى كوچكتان هستيد يا هر جاى ديگر كه نشسته ايد،

بگذاريد متقاعدتان كنم؛ بگذاريد به عنوان يك خادم انجيل از شما تمنا كنم؛

بگذاريد به نام عيسى مسيح از شما تمنا كنم؛ از خشم و غضب اين عصر شريف

حاضر بگريزيد! خداى اين عصر شريف را خدمت نكنيد.

مى دانم كه مى گوييد : « خوب است، آنها خوب هستند » دقيقاً، مثل يك درخت

تلفيقى و دوگانه است. شما نمى توانيد دانش را با كلام خدا درآمزيد.

این کلامی است که باید از راه ایمان به آن معتقد و باورمند شد و نه از راه دانش. این حقیقت فهمیدنی نیست، پذیرفتنی است. شما راستی آن را تأیید می‌کنید و به آن زیست می‌کنید. این تمام کاری است که از شما می‌خواهد انجام دهید.

اگر گروه یا شخصی در اینجا حضور دارد باید به عرض برسانیم که به دلیل کمبود فضا نمی‌توانیم کسی را به مذبج فراخوانیم؛ و آن بیرون و آن سوی خطوط تلفن اگر کسی هست که او را نمی‌شناسد...

۱۸۵. بانوان، امروز صبح سرزنش تان کردم، البته نه من، چون فقط کلام را نقل کردم. موهای کوتاه، لباس‌های کوتاه آن چنانی پوشیدن، این که به پوشش و ظاهر تان جاذبه شهوانی ببخشید، آیا متوجه نیستید که روزی... خواهر شاید بدن شما پاک باشد اما متوجه نیستید که چه چیز نفس‌تان را اسیر خود کرده است؟

آیا اراده خداست که دخترش با جاذبه‌های آن چنانی خودنمایی کند تا پسرش اغفال شده و با نگاه شهوت به او بنگرد طوری که هر دو مجبور شوند بابت زنا پاسخگو باشند؟ آیا خدا می‌تواند چنین کاری بکند خواهر؟ این سؤال را از خود بپرسید. نه، چنین کاری ده‌ها میلیون مایل از منش خدا به دور است. چنین وصله‌هایی را به خدا نچسبانید.

۱۸۶. برادر، آیا این روح دنیوی که بر شماست و نمی‌گذارد غلط بودن این چیزها را تشخیص دهید، از خداست؟ آیا شیطان چنان نسبت به اخلاقیات کلیسا، فرقه‌ها، اعتقادات و مسائلی از این قبیل کورتان کرده است که قادر نیستید ببینید چگونه خدا در حال تحقق و اثبات کلامش است؟ آیا کارتان، رئیس تان، همسر تان، فرزندان تان، کلیساهایتان یا هر چیز دیگر تا این حد میان شما و کلام خدا، آن یگانه منبع حیات، جدایی و فاصله انداخته است؟ برادرم از اینها بگریزید! من شما را با محبت الهی دوست دارم! به هیچ وجه احترامی که برای هر کدام از برادرانم قائلم بیش از احترامی نیست که برای شما قائلم. و اگر چنین باشد یعنی این که احترامم معطوف به اشخاص است. این چیزها را نمی‌گویم تا شما را عصبانی کنم. من این امور را به این دلیل خاطر نشان می‌کنم چون در کلام خدا آمده است. و به عنوان خادم خدا، با محبت الهی که در قلبم است این مسائل را خطاب به شما می‌گویم تا بلکه ببینید و بفهمید. چرا که اگر این مسائل را بازگو نکنم ممکن است شما هم چیزی درباره آنها ندانید. آیا از همین امروز خواهید گریخت؟

حال، به همراه همه عزیزان در سراسر کشور، سرهای خود را خم می‌کنیم.

۱۸۷. خدای عزیز، در مقابل من این دستمال‌ها قرار گرفته است. مردمانی از بیماری رنج می‌برند؛ اینک دستان خود را بر این دستمال‌ها می‌گذارم تا تو آنان را شفا دهی.

۱۸۸. و خداوند، خاطر جمع هستم که امشب مراسم ویژه فوق‌العاده‌ای برگزار خواهد شد و قدرت خدا در اینجا نمود خواهد یافت و آیات و معجزاتی شگفت به

ظهور خواهد رسید. چرا که شنیدیم و دیدیم که طی چند جلسه گذشته چه حوادث عظیم و خارق‌العاده‌ای رخ داد. ای خدای عزیز، دعا می‌کنم تا امشب سهم و بهره‌ای دو چندان به ما عطا کنی. از صمیم قلب دعا می‌کنم خداوندا، زیرا خودت و کلامت و این مردمان را عزیز می‌شمارم. خدای عزیز عطا فرما!

۱۸۹. و اگر در سراسر این خطه و حتی در این مکان کسی بیمار و رنجور است و باید امشب راهی شود و اینجا نخواهد بود، و یا امکانش نیست که آنجا در کلیساها و اماکنی که حضور به هم می‌رسانند باشد؛ نزدت دعا می‌کنم تا او را شفا دهی. و خواهشم این است که برترین نوع شفاهای را به آنها هدیه کنی! اگر جسم آنها را از سرطان، سل، سینه پهلو، و مواردی از این دست شفا دهی، در صورتی که زیاد عمر کنند شکی نیست که دوباره بیمار خواهند شد چرا که بدن آنها هنوز تحت سلطه گناه و لعنت است. پس بگذار آنها شفای راستین الهی یا همان شفای روح را دریافت کنند، همان که پدیدآورنده خلقتی جدید است و بشر را از مرگ به حیات رهنمون می‌شود تا سپس بتوانند در این خیمه قدیمی پس از تجربه‌ی روح، رهایی جسم را نیز تجربه کنند. خداوندا این را عطا فرما.

۱۹۰. باشد که از آن فرقه‌ها و اعتقاداتها بگریزند. خداوندا، مسیر خروج از این اعتقاداتها و فرقه‌ها را باز کن، من برادران خیلی خوبی را در چنین جاهایی ملاقات کردم، خدایا چگونه می‌توانم از آن امور سخن بگویم و آنچه که باید درکلام ببینند را نشانشان دهم؟ این قضیه نا آرام می‌کند. اما این را نیز می‌دانم که گفتی: «کسی نمی‌تواند نزد من آید» فارغ از این که چقدر خوب، آرام و مهربان باشد «مگر آن که پدرم آن را بدو عطا کند. هر آنچه پدر به من عطا کند، به جانب من آید.» و خداوندا من حس می‌کنم مسئولیتم تنها گفتن حقیقت است و بس.

و نه آن که برخلاف گفته پولس مبنی بر «مغشوش ساختن کلام خدا» عمل کنم و دگم‌های فرقه‌ای را به آن حقیقت بیامیزم و نتیجه‌اش بشود آمیزه‌ای از خیر و دانش، از نیک و بد؛ این مسیری است که باید با قلبی باز و به یاری روح‌القدس طی شود. خدایا عطا فرما. همگان را نجات ده.

۱۹۱. اینک سرهایمان را خم کرده‌ایم و چشم‌هایمان را بسته‌ایم. و نه من... من نمی‌توانم بگویم که «برای من تفاوت ندارد که چنین کاری بکنی یا نکنی.» برای من تفاوت می‌کند. من شما را دوست دارم. و امیدوارم بابت حرف‌های تندتی که می‌زنم طور دیگری فکر نکنید... چنان که پولس گفت: «دوست دارم در کنارتان باشم تا بلکه برای تغییر برخوردارم دلیل داشته باشم» و این برخورد از سر بی‌مهری نسبت به آنها نبود، چرا که او آنها را بسیار دوست داشت... درست مثل عیسی که باید عده‌ای را توبیخ می‌کرد و سپس برای همان‌ها می‌مرد. ملاحظه می‌کنید؟ «پدر آنها را ببخش زیرا نمی‌دانند چه می‌کنند.» به این بیان‌دیشید؛ انسانی که می‌خواهد در راستی باشد و می‌کوشد در راستی باشد و

در این راه باید آن شیطان را ببیند... این چیزی است که با آن مخالفم، این که او چشمان این مردم را کور کرده است.

۱۹۲. به جلال الهی سوختن و شعله ور بودن تجربه‌ای است که این سرزمین می‌بایست در آن سهیم شده و بهره‌ها از آن ببرد، آن هم وقتی شاهد اتفاقاتی بوده که اخیراً رخ داده است. چرا چنین بیداری‌ها را سرزمین‌های کهن تر تجربه نکردند؟ اینجا و در این سو، ساحل غربی قرار گرفته و آنجا غربی‌ترین نقطه موجود است. و اینک حفاظ‌های گناه در عمق زمین فروریخته و آنجا نیز در حال غرق شدن است؛ لس‌آنجلس و هالیوود روزانه به اندازه چند اینچ غرق می‌شوند و راهی برای توقف این روند وجود ندارد. آری، ما به این نقطه رسیده‌ایم. بیش از هر زمان دیگری می‌توانیم خطرها را بشنویم. اگر بدانید که...

حال کسی نگاه نمی‌کند. اما اگر از قلب‌های خود آگاه باشید... از شما می‌پرسم. نمی‌توانم از درون قلبتان خبر داشته باشم، مگر آن که خدا آن را آشکار کند. اما اگر از عمق قلب خود می‌دانید چنان که باید و شاید در خط خدا و کلامش نیستید، پس آیا حاضرید با ایمان فقط دست خود را بلند کرده و به او بگویید: «خداوندا، تو یاریم کن». ای خدا! بیرون از این کلیسا و درون آن و از میان کسانی که گرداگرد دیوارها تجمع کرده‌اند صدها دست و چه بسا دویست دست بالا رفت. از شما بابت صداقت تان سپاسگزارم.

۱۹۳. عیسی عزیز، نگذار هیچ یک از آنها از دست برود. من در مقام خدمت که در میان مردگان و زندگان ایستاده است آنچه در کتاب مقدس است را با انگشت نشان می‌دهم. خداوندا، نمی‌توانم آنها را نجات دهم اما آنها می‌خواهند نجات یابند. پدر چنانکه بارها گفته‌ام خورشید صبح‌ها طلوع می‌کند، وقتی به زمین می‌رسد از جانب خدا مأموریت دارد تا بذرها را رشد دهد و خوراکی طبیعی را برای زندگی طبیعی فراهم آورد. اما خدایا تو گفتی: «اما برای شما که از اسم من می‌ترسید، آفتاب عدالت طلوع خواهد کرد و بر بال‌های وی شفا خواهد بود.» بگذار تا آفتاب عدالت، کلام خدا بر قلب‌های این مردم بتابد و پرتوهای ایمان به کلام، شفابخش همه معصیت ورزان به کلام باشد و آنها را تا مرتبه‌ای ارتقا دهد که به طور کامل تبدیل به پسران و دختران خدا شوند.

خداوندا آنها از آن تو هستند. به نام عیسی مسیح، هر دو گروهی که در اینجا یا بیرون در هوای آزاد هستند و دست‌هایشان بالا رفت را به حضورت می‌آورم تا روحشان نجات یابد. آمین.

در آنجا جان ربوده شده‌ام آرام خواهد یافت (کجا؟ در این مذبح)
در آن آرام گرفته است... (به ایمان می‌نگرم به آنجا که رهسپارم)
در کنار صلیب، (جایی که کلام بر آن آویخته است)... صلیب،

مرا جلالى هميشگى است در آنجا؛
 در آنجا جان ربوده شده‌ام آرامش مى‌يابد
 در آن سوى رودخانه آرام گرفته است.
 عيسى، حفظم كن... (همين است، همراه او مصلوب شده‌ايم و چيزى از دنيا
 نمى‌خواهيم. "برصليب حفظم كن")
 چشمه ايست پر بها،

جريانى شفابخش و رايجان براى همه،
 روان مى‌شود شفا از آن چشمه كه در جلجتاست.

بر صليب، بر صليب

مرا جلالى هميشگى است در آنجا (دست‌هايمان را بلند كنيم)؛
 جان ربوده شده‌ام در آنجا آرامش يافته است
 در آن سوى رودخانه آرام گرفته است.

۱۹۴. [برادر برانهام در اين لحظه خطاب به گروه موسيقى چيزى مى‌گويد -
 گروه تاليف] «مى‌توانم آواز منجى‌ام را بشنوم كه مرا مى‌خواند.»
 در اين ميان دست يك نفر را فشرده و به او بگوييد: «اى مسيحي، خدا به تو
 بركت دهد.»

[برادر برانهام دوباره با گروه موسيقى صحبت مى‌كند- گروه تاليف] «مى‌توانم
 آواز منجى‌ام را بشنوم كه مرا مى‌خواند.»

آيا حضورش را حس مى‌كنيد؟ [جماعت مى‌گويند: "امين"- گروه تاليف]
 آنها كه در پشت خطوط تلفن هستند هم دست‌هاى يكدیگر را بفشارند و بگويند :
 «اى مسيحي، خدا به تو بركت دهد.»

۱۹۵. او كسانى را با خود مى‌برد كه نام او را بر خود داشته باشند. اين پشت
 يك حوض آب داريم، [در صورتى كه] براى بخشايش گناهانتان در نام عيسى
 مسيح تعميد نگرته‌ايد، اينجا هم حوض هست، هم لباس‌هاى مخصوص و البته
 مردى كه آنجا ايستاده و آماده است. اگر به راستى عيسى را به عنوان منجى
 پذيرفته ايد و ايمان داريد كه او حقيقت است، پس خوش آمديد.

۱۹۶. به ياد داشته باشيد كه هرگز در كتاب مقدس يا در هر دوره‌اى مقدم بر
 تأسيس كليساى كاتوليک، كسى را جز به نام عيسى مسيح تعميد نمى‌دادند. در
 كتاب مقدس يا در تاريخ هيچ محل و نشانه‌اى را نمى‌يابيد كه حاكى از آن باشد
 كه در كليساى زنده خدا كسى را به عنوان "پدر، پسر و روح‌القدس" تعميد داده
 باشند. اين يك اصل جزمى (دگم) كاتوليکى است و نه يك آموزه كتاب‌مقدسى.

۱۹۷. اين نکته را در گتگويى با يك كشيى كاتوليک متذكر شدم. او گفت :
 « اين حرف درست است. اما ما كليسا هستيم؛ ما مى‌توانيم هر آنچه بخواهيم را
 تغيير دهيم. اختيارات در كليسا است. خدا در كليسايش ساكن است.»

۱۹۸. گفتم: «خدا در کلامش ساکن است. و اگر کلیسا...» گفتم: «خدا کلام است. و اگر کلیسا بر خلاف کلام حرکت کند، پس به کلیسا اعتقاد ندارم.»

هر چه انسان بگوید می‌تواند دروغ باشد، خواه کشیش کاتولیک باشد، خواه پاپ یا هر کس دیگر، و هر چه خدا بگوید راست است...

و پولس نیز کاری کرد تا اگر کسی به نام عیسی مسیح تعمید نگرفته، بی توجه به این‌که قبلاً چه تعمیدی داشته، از نو تعمید بگیرد.

۱۹۹. پطرس نیز پس از آن که عده‌ای روح‌القدس را دریافت کردند گفت: «آیا کسی می‌تواند آب را منع کند، برای تعمید دادن اینانی که روح‌القدس را چون ما نیز یافته‌اند.» اعمال ۱۰: ۴۹. و در ادامه به آنها امر می‌کند: «قبل از آن که این مکان را ترک کنید و با وجود اینکه روح‌القدس را دریافت کرده‌اید، بروید و به نام عیسی مسیح تعمید گیرید.»

چرا که کلیدهای ملکوت به پطرس سپرده شده بود: «آنچه بر زمین ببندی در آسمان بسته گردد و آنچه در زمین گشایی در آسمان گشاده شود.» حال کار کلید چیست؟ گشودن قفل، گشودن راز.

۲۰۰. وقتی عیسی گفت: «بروید و ایشان را به نام پدر، پسر و روح‌القدس تعمید دهید» حکمت این امر، نابینا کردن بی‌ایمانان بود.

دقت کنید! چرا پطرس این سخن را کلمه به کلمه اجرا نکرد؟ او موظف به این کار بود.

اگر کسی به عناوین «پدر، پسر و روح‌القدس» تعمید بگیرد به هیچ وجه تعمیدی نگرفته است و نامی بر او نیست. پدر نام نیست، پسر نام نیست، روح‌القدس نام نیست. روح‌القدس همان چیزی است که هست؛ همان طور که من یک انسان هستم. او هم روح‌القدس است.

پدر یک عنوان است؛ من یک پدر هستم. پسر یک عنوان است، من یک پسر هستم. انسان یک عنوان است، این چیزی است که هستم. اما نام من ویلیام برانهام است.

و نام پدر، پسر و روح‌القدس «عیسی مسیح» است. عیسی گفت: «من به نام پدر خود آمده‌ام.» نام پدر چیست؟ هر پسری به نام پدر خود می‌آید. و نام پدر عیسی مسیح است. ملاحظه می‌نمایید؟ متوجه منظورم می‌شوید؟

۲۰۱. اگر از شما بخواهم به جایی رفته و از پیشخوانی که آنجا قرار گرفته به نام شهردار شهر چیزی بردارید، چند نفر می‌دانند نام شهردار شهر چیست؟ نام این شخص ریچ ویسینگ است که از دوستان عزیزم است. خوب، شما که آنجا نمی‌روید تا بگویید: «به نام شهردار شهر» می‌گویید: «به نام ریچارد ویسینگ.» شما اهالی جفرسون ویل می‌دانید که او کیست.

و به همين دليل او گفت: « پدر، پسر و روح القدس » الوهيت در او ساکن بود، او پرى الوهيت در قالبى جسمانى بود. او گفت: « آنها را به نام پدر، پسر و روح القدس تعميم دهيد. »

۲۰۲. پطرس آنجا ايستاده و به استناد مکاشفه‌اى که عيسى کليسا را بر آن بنا کرد و هويت حقيقى عيسى را معلوم مى‌کند گفت: « توبه کنيد و هر يک از شما به نام عيسى مسيح تعميم بگيرد. » هرگز... و کليدها [که در اختيار او بود] در آسمان و بر زمين چرخيدند. « زيرا در زير آسمان نام ديگرى به شما داده نشده است که به واسطه آن نجات يابيد. »

۲۰۳. چرا به نام عيسى مسيح تعميم مى‌گيريد؟ براى آموزش گناهانتان، «گناهان آنانى را که آمرزيديد براى ايشان آمرزيده شد. » التفات داريد؟ اما در صورتى که کسى را آماده تعميم نمى دانيد اين کار را نکنيد. چرا که وقتى چنين کرديد ديگر کاريست که شده است. منظورم را مى‌فهميد؟

مى‌توانم آواز منجى... (که مى‌خواند از گور)

مى‌توانم... (آيا همراه من نمى‌ميرى تا بتوانى همراه من برخيزى؟)...

مى‌توانم آواز منجى‌ام را بشنوم که مرا مى‌خواند (دنيا در اين باره چه حرفى براى گفتن خواهد داشت؟)

« صليب خود را بردار و از پى او روانه شو... »

و حال اگر نبوديد :

هرجا او (او که کلام است) هدايتم کند... (حوض آنجاست)

هرجا وى هدايتم کند از پى او روانه خواهم شد،

هرجا وى هدايتم کند از پى او خواهم آمد،

همراه با او خواهم رفت، همواره همراه او خواهم بود

سرهايمان را خم کنيم.

۲۰۴. خداى عزيز، حوض آماده است. خداوندا اينک با قلبها سخن بگو، بلکه بشنوند که مسيح و کلام آنها را فرامى‌خواند و همواره همراهى‌اش کنند.

«همراه با او از ميان حياط خواهم گذشت. همراه او به حوض خواهم رفت. نام او را خواهم گرفت. مى‌خواهم يکى از آن مردمانى باشم که به جهت نام او فراخوانده و جمع خواهند شد. به کلام او ايمان خواهم داشت دنباله رو او خواهم بود. هرگز با دنيا از در مودت وارد نخواهم شد. من عروسى راستين و وفادار خواهم بود. از همزه يا نقطه اى از کلام عدول نخواهم کرد. در برابر هر درخواستش، عروسى راستين و حقيقى خواهم بود. هر کارى از من بخواهد، همان را خواهم کرد.»

«اگر شوهر من که در راه است از من بخواهد موهايم را بلند کنم. اين کار را خواهم کرد. اگر از من بخواهد همه اين آرايش‌ها را پاک کنم چنين خواهم کرد.»

اگر بخواهد... اگر بگویند که پوشیدن این لباس‌هایی که جاذبه‌های تنانه را به نمایش می‌گذارد در واقع به معنی معاشرت با شریر و روح شریر است طبق فرمایش او عمل کرده و آنها را به تن نخواهم کرد. مرا از آنچه دیگران خواهند باکی نیست، آن لباس‌ها را از تن درخواهم آورد.»

«اگر از من بخواهد از گروهی خارج شوم که بی‌ایمانان در آن هستند، همین کار را خواهم کرد؛ حتی اگر منبع روزی و ارتزاقم باشد. او وعده داده که هرگز ترکم نخواهد کرد و تنهایم نخواهد گذاشت. این کار را خواهم کرد. در هر شرایطی همراه او خواهم بود. اگر بخواهد که در نام او تعمید گیرم، اجابت خواهم کرد.»

خداوندا، تو این را در کلامت که اینجاست وعده دادی. این خواسته توست. خداوندا باشد که همگان متوجه این امر شوند و متواضعانه و به خوشی و شیرینی در برابر خواسته ات سر تعظیم فرود آورند. در نام عیسی مسیح دعا می‌کنم. آمین.

۲۰۵. شما به خدا تعلق دارید، باشد که این واژه‌های دست و پا شکسته مقبول خدا واقع شود و او آنها را برای شما جامه عمل پوشانده و بدل به حقیقت کند. این دعایی است که در کمال صداقت خواندم.

حوض آماده است. هر کس خواهان آمدن است باید... تا لحظاتی دیگر یکی از خادم‌ها موارد لازم را اعلام خواهد کرد. هر کس توبه کرده است و خواهان تعمید گرفتن به نام عیسی مسیح است جلو بیاید. همه چیز حاضر و آماده است. «همه چیز حاضر شده است» ما اینجا هستیم تا هر کار در توانمان باشد بکنیم تا شما برای خدا زندگی کنید. خدا به شما برکت دهد.

۲۰۶. اینک برخیزیم. نوبت خواندن سرود کوتاه «دوستش می‌دارم» است. «دوستش می‌دارم، زیرا ابتدا اوست که دوستم داشته است.» حال همگی با هم این سرود را بخوانیم.

دوستش می‌دارم...

دست‌هایمان را همزمان با خواندن این سرود بلند کنیم

... دوستش می‌دارم

زیرا ابتدا اوست که دوستم داشته است

و بهای نجاتم را پرداخت

بر درختی در جلجتا

و در حالی که با سرها و قلب‌هایمان کرنش می‌کنیم این سرود را برای او زمزمه می‌کنیم. [برادر برانهام شروع می‌کند و زمزمه کنان می‌خواند دوستش می‌دارم - گروه تألیف]

دوستش می‌دارم

[برادر برانهام همچنان زمزمه کنان می‌گوید دوستش می‌دارم - گروه تألیف]

ای خدا، پدر ما، ما بندگان مخلوق و ناتوان را مشمول رحمت خویش قرار ده. ای خداوند ما را برای انجام کارهایی که در پیش داریم تقویت کن. کمک کن ای خدا، کمک کن! پدر حس می‌کنم که چیزی در این فضا موج می‌زند. خدایا کمک کن تا از حقیقت آگاه شوم. این مردمان را مشمول برکات خویش قرار ده. به نام عیسی مسیح دعا می‌کنم آنها را هدایت کنی.

۲۰۷. اینک درحالی که سرهای خود را خم می‌کنیم، از شبانی که اینجاست، یعنی برادر نویل که از برادران گرانقدر ماست، می‌خواهم تا به این بالا آمده و نکات مربوط به تعمیر را بازگو کند... اجازه دارم که آن را اعلام کنم. فکر می‌کنم حوض حاضر است.



خدای این روزگار شریر FRS65-0801M
(The God Of This Evil Age)

برادر ویلیام ماریون برانهام این پیغام را به زبان انگلیسی در صبح یکشنبه ۱ آگوست ۱۹۶۵ در خیمه برانهام در جفرسون ویل ایالت ایندیانا آمریکا ایراد کردند. این پیغام در یک نوار مغناطیسی ضبط شد و بی کم و کاست در زبان انگلیسی به چاپ رسید. برگردان فارسی این اثر با کوشش انتشارات Voice Of God Recordings چاپ و پخش می گردد.

FARSI

©2014 VGR, ALL RIGHTS RESERVED

VOICE OF GOD RECORDINGS

P.O. BOX 950, JEFFERSONVILLE, INDIANA 47131 U.S.A.

www.branham.org